

بسم الله الرحمن الرحيم: قطريه ۹۲ از كتاب هزار و يك قطره در رفع خشك‌سالی ايران از طريق غيرعادی به كمک اسماء الله در عرض چند ماہ - اين قطريه جواب اول به متخصصين حوزه‌ی آب کشور در اشکال به قطريه ۷۳ در طرح انتقال آب خلیج‌فارس

با سلام ، همان‌گونه که در جريان هستيد ما برای رفع خشك‌سالی ایران ۳ پیشنهاد داریم که شامل دو پیشنهاد غيرعادی و یک پیشنهاد عادي می‌باشد، پیشنهاد عادي که انتقال آب خلیج‌فارس و دریای عمان است و در قطريه ۷۳ آمده است و از طرف متخصصین مورد اشکال قرارگرفته که ما برای روشن شدن مطلب قطريه ۷۳ را در ابتدا میاوریم و سپس سری اول اشکالات متخصصین عنوان می‌گردد و بعد از آن جواب‌های ما میاید، پیش‌اپیش از محضر دولستان و متخصصین پوشش می‌طلیم . این متن به سرعت تهیه گردیده است و لذا از اشکالات املایی و دستور زبانی که وجود دارد پوشش می‌طلیم. در تاریخ ۹۶, ۱۱, ۱۱ اشکالات به دست ما رسیده است.

متن قطريه ۷۳ که از طرف متخصصین اشکال شده است:

- بسم الله الرحمن الرحيم-

این متن، قطريه ۷۳ از كتاب هزار و يك قطريه در رفع خشك‌سالی ایران از طريق غيرعادی به كمک اسماء الله می‌باشد- خلاصه كتاب انتقال آب از طريق عادي

مقدمه: همان‌گونه که در جريان هستيد ما قائل هستيم زمان در نجات تمامی شئون ایران (مرگ خاک، جانوران، گیاهان و شئون معنوی و سیاسی) از خطر مرگ نقش اساسی دارد، ما وظيفه داریم در آقل زمان ممکن خشك‌سالی را بر طرف نماییم چرا که هر لحظه غدّه سلطانی خشك‌سالی برای ما خدمات جبران‌ناپذیری دارد، لذا با تمامی ویژگی‌های منحصر به فردی که طرح عادي یک ساله دارد و از تمامی طرح‌های موجود در ایران بهتر است این طرح مورد قبول ما نیست، ما اعتقادداریم می‌توان آب را از آسمان به مقدار زیادی آورد که در طرح انفطار السماء که در قطريه هزار آمده است همین مطلب را بیان می‌نماید و یا قطريه هزار و يك که آن هم از طريق غيرعادی در مدت کوتاهی مشکل آب را حل می‌نماید، لذا حال که آن دو قطريه که به منزله‌ی مَنْ و سَلوی برای ما ایرانیان است مورد تمسخر قرارگرفته لازم می‌بینیم که راهکار عادي را دوباره عرضه کنیم تا بینیم و بشنویم چه مشکلی برای رفع خشك‌سالی وجود دارد که اینهمه تعلل می‌شود ، همان‌گونه که قبلًا گفته‌ایم و عکس نوشته‌های دستی ما در اینترنت پخش است ما در رابطه با طرح غيرعادی یک كتاب نوشته‌ایم، در این متن کوتاه به اهم مباحث انتقال آب عادي می‌پردازیم و شباهت اصلی و اساسی را جواب می‌دهیم و در این نوشته اثبات می‌کنیم حتی به صورت عادي نیز می‌توان مشکل آب را حل نمود، اگر جدی شود می‌توانم اثبات کنم کمتر از یک سال هم حتی با روش‌های عادي می‌شود.

۱ طرح عادي انتقال آب از دریای عمان است، انتقال آب از خزر به دلایلی که ذکر می‌شود فایده‌ی چندانی ندارد.
۲ این طرح با طرح اتصال خزر به خلیج‌فارس که توسط روس‌ها در زمان پهلوی مطرح کرده‌اند تفاوت دارد و با طرح کanal مرکزی در فلات ایران که در زمان آقای هاشمی رفسنجانی مطرح بوده تفاوت دارد و با طرح دکتر احمدی‌نژاد نیز تفاوت دارد، با طرح مطرح در مجلس که انتقال آب به ۱۸ استان کشور است نیز تفاوت دارد که در ضمن بحث معلوم می‌گردد، این طرح انتقال آب به استان‌ها و شهرها و روستاهای زمین‌های بایر در مدت کوتاه است، آنهم نه برای ترانزیت کشتیرانی بلکه هدف اصلی کشاورزی است.

۳ اهم اهداف طرح چیست؟ تأمین آب مورد نیاز کشاورزی - دو مصرفه نمودن آب در ایران و ذخیره نمودن آب شیرین- پر آب نمودن دریاچه‌های خشك‌شده ایران مانند دریاچه‌ی جازموریان و دریاچه‌های نمک و دریاچه‌ی ارومیه و... - تأمین آب جهت راهاندازی تولید و پرورش ماهی شور دریایی - تأمین آب سدهای تولید برق جهت تولید اوزان نمودن برق - راهاندازی دریاچه‌های مصنوعی جهت تغییر آب و هوای فلات ایران به سمت اکوسیستم مطلوب - تأمین آب صنعتی - تأمین آب جهت ساختمناسازی و شهرسازی - تأمین آب جهت بیابان‌زدایی و کاشت درخت - تأمین آب دشت‌هایی که به سمت بیابانی شدن در حال حرکت‌اند.

۴ در بحث آب دو مقوله‌ی تصفیه‌ی آب و شیرین سازی مطرح است که هر کدام بحثی جدا دارد اما برای آنان که اطلاع کمتر دارند بیان می‌کنیم که امروز کشورهای زیادی برای کشاورزی و شرب از آب دریا استفاده می‌کنند،

حتی کشتی‌های اقیانوس پیما نیز آب شرب خود را از دریا تأمین می‌کنند، آب شرب جزیره‌ی کیش از تصفیه آب دریا به دست می‌اید، عربستان و امارات آب دریا را شیرین می‌کنند و استفاده می‌کنند، ما در بحث تصفیه و شیرین سازی آب که خود دو بحث جداگانه و تخصصی است نیز راهکارهای منحصر به فردی داریم اما به صورت اجمال بدانید که روش‌های متعددی برای شیرین سازی و تصفیه آب وجود دارد که در یکی از قطرهای توضیح داده می‌شود، شبهه هزینه جواب داده شده.

۵ بهترین آبی را که می‌توان از دریا برداشت نمود آب دریای عمان است و در طرح ما ۷ کanal از دریای عمان تأمین آب می‌شود و ۵ کanal اجباراً از خلیج‌فارس تأمین آب می‌شود، ویژگی دریای عمان این است که آب بهتری دارد چرا که نزدیک‌تر به قطب جنوب است و آلاینده‌های آن کمتر است، لذا تصفیه و شیرین سازی راحت‌تر است، چرا که دائمًا قطب بر اثر گرمای هوا ذوب‌شده و آب شیرین درون دریا می‌ریزد، همین‌جا معلوم می‌شود که یکی از بحرانهای پیش روی بشر بالا آمدن آب دریاست که کشورهای زیادری را زیر آب می‌برد و هر که تلاش کند آب را برداشت نماید به کل بشریت خدمت کرده است، لازم است بدانیم هر چقدر آب را از دورتر از ساحل برداریم آب بهتر و زحمت کمتری برای شیرین سازی و تصفیه آن لازم است چرا که آبی که نزدیک ساحل است به علت عمق کم دریا آلاینده‌های بیشتری دارد، پس بهترین آب آخرین مرز شرقی آبی ایران است.

۶ آب دریای خزر برای انتقال به فلات ایران خوب نمی‌باشد، چرا که اولاً مشکلات سیاسی ایجاد خواهد نمود چرا که آب خزر محدود و محصور بین چند کشور است و ممکن است در آینده کشورهای همسایه مشکل ایجاد کنند، ثانیاً مشکل وجود رشته‌کوه بین دریای خزر که اگر چه که با نقد زدن از زیر و روش‌های دیگر قابل حل است ولی زمان و هزینه‌ی بسیار می‌برد، البته مشکل پس‌آب شور آب دریا و تغییر اکوسيستم و شور نمودن آب خزر اشکالات سطحی است که جواب داده شده است، ما با تبدیل پس‌آب باقیمانده به نمک دریا از پس‌آب نیز ثروت حلال تأمین می‌نماییم ولی در کل آب خزر برای انتقال خوب نمی‌باشد.

۷ ممکن است بگویند این در طرح در مجلس مطرح است و نمونه‌ی مشابه دارد، باید بگوییم جزئیات اجرایی و مدیریتی و تأمین منابع مالی و اجرایی و طرح عملیاتی این طرح بی‌نظیر است و اصلًاً نمونه‌ی مشابه ندارد تفاوت این طرح و طرح مجلس، تفاوت آب و سراب است، آقایان مسئول اگر طرح دارید چرا اجرا نمی‌کنید؟ یا اینکه طرحی ندارید، یا اینکه وضعیت موجود را متوجه نیستید که کاری نمی‌کنید، بنده مطمئن هستم که نوش داروی شما بعد از مرگ سه را هم آماده نمی‌شود، چند سال است که طرح شما در وضعیت بررسی و تحقيقات قرار دارد؟ میدانید چه باغها که سوخت؟ چه دریاچه‌ها که بی‌آب شد و حیوانات و گیاهان توان کم کاری ما را با هلاک شدن خود پرداخت کردند؟ میدانید بلایی که در این مدت بر ملت ما وارد شده قابل شمارش نیست؟ و عده شما سرابی است که مرگ را همراه دارد.

۸ چند مشکل اساسی در طرح انتقال آب دریای جنوب به فلات مرکزی که در مجلس مطرح است موجود است : الف: چرا طرح اجرایی نشده است؟ ب: این طرح هیچ‌گاه ادعای ندارد آب را به تمام روستاهای می‌رساند بلکه آب به شهرستان‌ها می‌رسد. ج: زمان شروع و پایان طرح چه زمانی است؟ بنده می‌گوییم طرحی که در مجلس برای انتقال آب مطرح است همانند طرح بزرگ‌راه تهران به شمال است که ۲۵ سال است می‌خواهد انجام شود. آقایان مسئول تهران نشین : مشکل اصلی این است که از حال فقرات و روستان‌شیان و کشاورزان خبری ندارید، آب نیاید و مردم هلاک شوند مگر اتفاق خاصی افتاده است، کما اینکه آیا تا کنون غیر از این بوده است؟ اگر وضعیت بحرانی خشک‌سالی درک می‌شد لحظه‌ای تعلل نمی‌شد، می‌گویید مشکل مالی وجود دارد؟ چرا از تربیون‌هایی که در دست دارید مردم را در جریان خطر پیش رو قرار نمی‌دهید و از مردم کمک نمی‌گیرید؟ چرا قام کارهایی که فایده‌ی چندانی برای ملت ندارد را تعطیل نمی‌کنید و متمرکز در آب رسانی نمی‌شوید؟ چرا با هزینه‌ای که در دست دارید کار را شروع نمی‌کنید تا کمی از تلفات عظیمی که در پیش است را کاهش دهیم؟

۹ ممکن است بگویند کار را شروع کرد هایم، باید بدانید اشتباہ می‌کنید، اولاً کاری که شروع کرده‌اید انتقال آب خزر به سمنان و خلیج‌فارس به یزد است که انتقال خزر به سمنان اشتباہ است، پول زیاد و بهره‌برداری کم و در آینده نیز مشکل سیاسی از طرف همسایگان خزر برای ما پیش می‌اید، ثانیاً چرا فقط به فریاد سمنان و یزد رسیده‌اید پس

کرمان و قم و اصفهان و تهران و خراسان و سیستان و بلوچستان و خوزستان و ... چه می‌شود؟ بدانید با این نحو انتقال ویرانی آن نقاط را نزدیک‌تر کرده‌اید، چرا که در آینده‌ای نزدیک هر کجا که آب باشد خطرناک‌ترین نقطه خواهد بود زیرا مردم از سایر نقاط خشک‌شده به آنجا هجوم می‌اورند، افراد مهاجم برای آب به آنجا می‌ایند و افراد ساکن آنجا که نیز تنها به اندازه‌ی خود آب دارند و برای دفاع از آب و خاک خود می‌جنگند پس این‌گونه است که ایرانی به جان ایرانی می‌افتد، مردم اگر برای تأمین آب به جایی که آب دارد نروند می‌میرند و اگر به آنجا بروند در آنجا هجوم مردم و جنگ و قتل واقع شود، در این زمان حساس کل ایران نامن می‌شود، جایی که آب نیست خالی‌شده و دشمن آنجا را تصاحب کند و جایی که آب وجود دارد ایرانیان با یکدیگر در حال جنگ و از بین بردن خود هستند، اینجاست که می‌گوییم طرح غیر عادی نجات بخش است چرا که در آن دو طرح آب به همه جا میرسد و کسی از جایی بجایی کوچ نمی‌کند حتی کشورهای همسایه را نجات میدهیم، تعجب نکنید تاریخ سال‌های ۱۲۹۶ تا ۱۳۰۴ را که قحطی و خشکسالی آمد را ملاحظه فرمایید در خاطرات آمده که اگر فردی تنها بیرون می‌رفت امیدی به بازگشت او نبود، او ربوده می‌شد، کشته می‌شد و گوشت او خورده می‌شد، دقیقاً همان جریان در حال وقوع است، سؤال دیگر از شما این است: چند سال است که این طرح شروع شده و هم اکنون در چه وضعیتی است، آیا توانستید مشکل آبی یزد و سمنان را حل کنید؟ جواب واضح است که نتوانستید. واضح بگوییم انگیزه‌ای برای حل این مشکل نیست و در نگاه خوشبینانه خطر پیش رو برای شما تبیین نشده که اراده‌ی جدی برای حل این بحران داشته باشید، بنده در اسلام یاد گرفتم که بالاصاف باشم و اگر مرده‌ی سگی بد بو را دیدم و بینی خود را گرفتم ولی از دندان‌های سفید و تیز آن نیز یادی کنم، پهلوی اول در طول ۱۳ سال خط راه آهن بندر ترکمن به بندر امام (از خزر تا خلیج فارس) را انجام داد راه آهنی که از بین دو کوه رد می‌شود با پلهای بسیاری که دارد، از آن زمان که حدود ۷۶ سال گذشته است در آن دوران ایران نه این تعداد دکتر و مهندس داشته نه این همه ماشین‌آلات و... اما سیزده ساله آن کار را انجام داد اگر ما در آن زمان بودیم شاید این حرکت ۳۰۰ سال طول می‌کشید و اگر او در این زمان بود شاید در طول ۱۳ ماه این راه آهن را انجام می‌داد، دقت کنید بنده حقیقتی را می‌گوییم که ما را در فکر فروبرد والا همه‌ی ما میدانیم او چه ضربه‌ای به دین وارد نمود و چه جنایتی کرد، ولی سؤال این است که چه شد که در قم و مشهد درود به او گفته شد؟ اگر او در این زمان بود در طول چند وقت مشکل آب را حل می‌نمود؟ ما چه مشکلی داریم که ۱۲۰ کیلومتر آزادراه تهران شمال ۲۵ سال است هنوز به بهره‌برداری نرسیده است؟ چرا باید طرح‌های حیاتی و نجات‌بخش ما مانند آب دهها سال به مرحله اجرا نرسد؟ بگوییم اگر مشکل آب را سریعاً حل نکنیم آینده‌گان همان قضاوتی را در مورد ما می‌کنند که ما در مورد گذشتگان می‌کنیم اگر نگوییم قضاوتی بدتر خواهد نمود، حداقل در زمینه‌ی آب ما از نسل آینده دزدی کرده‌ایم، حداقل اگر اشتباه فکر می‌کنیم بگویید به ما مشکل چیست تا بدانیم.

۱۰ طبق طرح ما باید ۱۲ کanal از جنوب کشور به سمت فلات مرکزی و شمال کشور کشیده شود، از بین ۱۲ کanal از دریای عمان می‌باشد که فلات شرقی کشور را تأمین می‌نماید، ۵ کanal از بندرعباس و خلیج فارس می‌باشد که فلات غربی کشور را آبیاری می‌کند، هر کanal ۱۵۰۰ کیلومتر است، کار با ۳۶۰ تیم انجام می‌شود از ۳۶۰ نقطه همزمان شروع می‌شود لذا همزمان کار شروع می‌شود و همزمان کار پایان می‌یابد، کار در سه شیفت انجام می‌شود تمامی شئون مملکت باید درگیر مسئله‌ی آب رسانی شوند و تمامی کارهای پوپولیسمی تعطیل شود، گروه پیشتاز نقشه مسیر را در روی زمین تعیین می‌کنند دقیقاً مانند گروه پیشتاز در اطلاعات عملیات جنگ، هر ۵۰ کیلومتر آب رها می‌شود و پست زده می‌شود، پست‌ها دریاچه‌های مصنوعی است که امور مختلفی در آنجا انجام می‌گردد از قبیل: انتقال آب به زمین‌های اطراف، تصفیه‌ی دوباره و شیرین سازی آب، بالا بردن آب برای ریخته شدن در ادامه‌ی کanal در زمین‌های شب‌دار و تولید برق (قبل از ریخته شدن آب در پست از نیروی آب که در ۵۰ کیلومتر قبل است برق تولید می‌شود که در حقیقت هر کanal یا لوله به منزله‌ی سد مهار آب تولید برق می‌باشد) و...، نتیجه‌ی این حرکت این است که از همان ابتدا قبل از آب رسانی شغل در مملکت ایجاد می‌شود، آقایان می‌فرمایند ۷۰۰ هزار شغل ایجاد کرده‌اند، اگر ۷۰۰ هزار نفر در این طرح مشغول به کار شوند کمتر از یک سال آب رسانی عادی انجام می‌گردد و این قاعده کاملاً معقول می‌باشد، هر چقدر قدرت و توان را بالا ببریم هدف

زودتر حاصل میشود، هزینه‌ی ایجاد هر شغل را کارشناسان بین ۱۰۰ تا ۳۰۰ میلیون تومان اعلام کرده‌اند معاون وزیر تعاظون می‌فرماید بین ۵۰ الی ۷۰ میلیون هزینه لازم دارد ما کلام معاون وزیر را معیار می‌گیریم و جناب آقای روحانی فرمودند ما ۷۰۰ هزار شغل ایجاد کرده‌ایم اگر برای هر شغل ۶۰ میلیون تومان هم هزینه لازم باشد می‌شود ۴۲۰ بیلیون ریال، اگر دولت این پول را در طرح آب رسانی هزینه کرده بود و به هیچ هزینه‌ی دیگری هم دست نمی‌زد کار آبرسانی در مدت بسیار کوتاه‌تر از یک سال انجام شده بود و از همان ابتدا شغل زیاد شده و مهم‌ترین زیرساخت پیشرفت نیز در ایران انجام شده بود ولی این کار انجام نشد و ما هم نمی‌دانیم چه شغل زودبازده‌ی در ایران ایجاد شده؟ ما که هر چه می‌بینیم تعطیلی کارخانه‌ها است؟ آیا تعطیلی و مشکلی که برای کارخانه‌ی هپکو ایجاد شد فراموش‌شدنی است؟ بدانیم با این روال هپکوهای بسیاری در راه است، گذشته از اینکه ایجاد شغل‌های زودبازده به فرض اینکه انجام شده باشد مطمئن باشید بازدهٔ نخواهد داشت چرا که خشک‌سالی آن‌ها را نیز خشک خواهد نمود، گذشته از تمامی بحث‌های مهندسی که ما در جزئیات را در کتاب طرح عادی ثبت نموده‌ایم در وضعیت کنونی بحث بر سر نقشه‌ی راه و یا اینکه دیواره‌ها سیمانی باشد و یا آهنی و لوله‌ی اسپیرال باشد و قطرش چقدر، نقد زده شود یا کانال و لوله و ... نیست، بحث بر سر این است چرا این قدر تعلل می‌کنید؟ نوش داروی شما به چله و سال و قرن سه راب هم نمی‌رسد، چرا خشک‌سالی را شوخي گرفته‌اید، بگوییم در آینده‌ای نزدیک آنچه که سال‌ها وقت گذاشته و هزینه کرده‌اید کاغذ باطله‌ای بیش نخواهد بود، شاید باشیم و بینید و بینیم، بند به طرح دو ماهه اعتقاددارم و نهايتأ در وقت راستي آزمائي حقانيت ما معلوم می‌گردد، در آن زمان نه تنها طرح مجلس بلکه تمامی طرح‌های کوچک و بزرگ آبی در حال اجرا باطل می‌شود مثل طرح غیرعادی و امور در حال اجرا مثل مقایسه سرعت نور با حرکت لاکپشت است، خدا را تو را شکر که بی‌منت عطا می‌کنی.

۱۱ یکی از مشکلات طرح را نبود هزینه عنوان می‌کنند که در لابه‌لای بند ۱۴ معلوم شد که این مطلب بهانه‌ای بیش نیست، طبق محاسبات بند طرح عادی یک‌ساله ۲۱,۶۰۰ مهندس در فنون مختلف لازم دارد که برای هر مدیر ماهیانه ۶ میلیون تومان حقوق در نظر گرفته‌ایم و طبق همین محاسبات ۱۳۰ هزار نفر کارگر متخصص از قبیل آرماتوربند و جوشکار و راننده کامیون و لودر و ... لازم داریم که حقوق ۴ میلیون و پانصد هزار تومان برای هر نفر در نظر گرفته شده است که ۷ بیلیون تومان هزینه لازم است، اگر دولت و بقیه‌ی دستگاه‌ها نخواهند کمک کنند بسیار ساده از طریق مشارکت عمومی این بودجه قابل تأمین است، اما چگونه؟ دولت ماهیانه به ۷۷ میلیون نفر ۴۵ هزار و ۵۰۰ تومان يارانه می‌دهد که می‌شود ماهیانه تقریباً ۳,۵ بیلیون تومان، هزینه‌ی یک سال مدیران و کارگران این طرح می‌شود ۷ بیلیون تومان، فرض کنیم هیچ کس کمک نکند بندۀ مطمئن هستم اگر برای مردم خطر نبود آب و ثمرات آمدن آب به صورت شفاف بیان شود و اینکه بعد از آمدن آب چه سود سرشاری نصیب ملت و هر کس که در طرح آب رسانی شرکت کند می‌شود، کمتر کسی پیدا می‌شود که در سرمایه‌گزاری برای آب رسانی شرکت نکند که در این صورت اگر همان ۷۷ میلیون ایران ماهیانه ۱۰ هزار تومان سرمایه‌گزاری کنند بیش از مبلغ مورد نیاز پول برای دستمزدها جمع می‌شود، عدد به دست آمده بیش از ۹ بیلیون می‌باشد، ما باید در این طرح برنامه‌ای داشته باشیم که گردن کلفتان اقتصادی تمامی سهام آب را به نام خود نزنند و باید تا آنجا که میتوانیم محرومین و مستضعفین را در آن شرکت دهیم تنها یک بحث می‌ماند آن اینکه مصالح و لوازم مورد نیاز را از کجا تأمین کنیم؟ این سؤال سؤالی بس عجیب است و تنها از کسی سر میزند که نداند ایران ۱۰٪ منابع طبیعی جهان بلکه بیشتر در دسترس ما ایرانیان است، اگر منابع طبیعی ایران به داد ما نرسد چه فایده‌ای دارد؟ ما ادعای صادرات فولاد را داریم آن وقت برای لوله انتقال آب خودمان چیزی نداشته باشیم؟ ادعای صادرات سیمان داریم آن وقت برای بتون‌ریزی خودمان سیمان نداریم؟ سوالهایی مانند چگونگی بر طرف کردن اختلاف سطح دریا با زمین و یا چگونگی بالا بردن آب و یا چگونگی تأمین برق و ... سوالهایی بسیار ابتدایی است که در این مجال اندک وقت پاسخگویی نیست، ولی بگوییم ما با الگوی چاهه‌ای آرتزین مصرف برق را در انتقال آب به صورت عجیبی پایین میاوریم و نیازی هم به موتورهای پر قدرت پمپاژ نخواهیم داشت، لازم به ذکر است برای گسترش طرح به

همه‌ی زمینها از سال اول بودجه مورد نیاز از درآمد حاصل از سال قبل قابل تامین است ، آب باید ثروت سرشاری را به همراه خواهد داشت.

این قطره (قطره‌ی ۷۳) خلاصه‌ای از کتاب رفع خشک‌سالی ایران از طریق عادی است که به اهم شباهات و مباحث مطرح در زمینه‌ی انتقال آب از طریق عادی پرداخته است که در یک قطره‌ی دیگر مطالبی نیز در ادامه عنوان می‌گردد، بدیهی است که خلاصه کردن یک کتاب در یک برگه کاری بسیار دشوار می‌باشد. لطفاً سوالها و مطالب خود را با ما در میان بگذارید- برای دریافت مباحث به آیدی تلگرام پیام دهید- بیش از ۲۵۰ سخنرانی پیرامون آب عنوان گردیده و نامه‌هایی نیز وجود دارد- برای دریافت پی دی اف کتاب هزار و یک قطره در رفع خشک‌سالی ایران از طریق غیر عادی به کمک اسماء الله در عرض چند ماه به آیدی تلگرام پیام دهید. بدیهی است که شباهه‌ی تغییر اکوسیتم نیز در ضمن مباحث جواب داده شده است. ۹۶, ۱۰۱۷- علی بهرامی نیکو (هُدْهُد)

متن اشکالات متخصصین (قسمتهای رنگ، موضوعاتی است که از طرف ما جواب داده شده است)

بررسی پیشنهاد جناب آقای علی بهرامی نیکو در مورد انتقال آب از دریایی عمان و خلیج‌فارس

توجه به مقوله کمبود منابع آب در ایران از جانی هر کدام از متخصصان، صاحب‌نظران و اندیشمندان امری قابل تقدیر و نشان‌دهنده اهمیت این موضوع در اذهان این پژوهشگران می‌باشد. مسئله انتقال آب از دریاها (چه دریای خزر و چه خلیج‌فارس و دریایی عمان) نیز یکی از مواردی است که در این موضوعات مورد توجه قرار داشته است. علیرغم گذشت سالیان متمادی از مطرح شدن بحث انتقال آب از دریا به مناطق مرکزی کشور، هنوز اقدام عملیاتی و اجرایی در این زمینه انجام نشده است. تنها مواردی که در مورد بهره‌برداری آب از دریاها به مرحله عمل رسیده است، مسئله شیرین سازی آب دریا در برخی نواحی بوده است و مسئله انتقال آب دریا باهدف تأمین کسری آب در بخش عمده‌ای از کشور، سابقه اجرایی ندارد.^۱

با این وجود مطالعات متعددی در زمینه اجرایی این‌چنین طرح‌هایی انجام گرفته است تا جوانب علمی، فنی، زیست- محیطی، اجتماعی و اقتصادی آن‌ها بررسی گردد.^۲ پیشنهادیه ارائه شده توسط جناب آقای بهرامی را در دو بخش کلی می‌توان مورد بحث قرارداد. بخش اول این پیشنهادیه که قسمت عمده‌ای از آن را نیز شامل می‌شود، مربوط به بیان اهمیت تأمین آب در نواحی خشک و کم آب کشور است.^۳

این قسمت نه به صورت یک بخش یکپارچه، بلکه به صورت پراکنده در تمامی این پیشنهادیه مورد تأکید و تکرار قرار گرفته است. جهت تأکید بیشتر بر این مقوله، ایشان سعی نموده‌اند تا با استناد به برخی شواهد وقایع تاریخی (نظیر خشک‌سالی سال‌های ۱۲۹۶ تا ۱۰۳۴، احداث راه‌آهن در زمان حکومت پهلوی اول و ...)، به اهمیت موضوع بیفزایند.^۴

همچنین در این رابطه انتقادی نیز به عملکرد مسئولین وارد شده است. از این دیدگاه تناقضاتی در برخی مطالب ارائه شده به چشم می‌خورد، ولی به دلیل ارتباط غیر مستقیم این مطالب با مقوله تخصصی انتقال آب از دریا، به نقد و بررسی آن‌ها پرداخته نمی‌شود.^۵

بخش دیگری از این پیشنهادیه به موضوع فنی انتقال آب از دریا اشاره نموده است. این بخش فرض را بر این قرارداده است که انتقال آب از دریای خزر به دلایل سیاسی و فنی قابل قبول نبوده و از طرف دیگر با قطعیت کامل بر انتقال آب از دریایی عمان و همچنین خلیج‌فارس صحه گذاشته است.^۶

در این راستا پیشنهادیه مبني بر نحوه تأمین منابع مالي (از محل طرح هدفمندي يارانه‌ها) و تخميني نیز از نيريوي متخصص (۲۱۶۰۰ نفر) و نيريوي كارگري (۱۳۰۰۰ نفر) ارائه شده است و اين امر را در راستاي اشتغال‌زايی دانسته است.^۷

با فرض تحقق این موارد، مشکل اساسی این طرح را می‌توان در عدم توجیه فنی آن دانست. [۱۱](#)

مشکل اصلی این طرح در توجه صرف به مقوله منبع آب می‌باشد. در این طرح فرض بر آن شده است که صرف وجود دریا در جنوب کشور و کم آبی در مناطق مرکزی، توجیه‌کننده این انتقال خواهد بود. [۱۲](#)

بر این اساس یک طرح ضربتی پیشنهاد شده است که ۷ کanal از دریای عمان و ۵ کanal از خلیج‌فارس را شامل می‌شود. در هر ۵۰ کیلومتر نیز یک دریاچه مصنوعی (پست) احداث شود و حتی بر اساس انتقال آب از هر پست به پست بعدی برق نیز تولید شود. با این وجود جواب این سوالات در این پیشنهادیه هنوز داده نشده است:

۱- چگونه بدون مطالعه جامع فنی طرح، به چنین قطعیتی در مورد تعداد نیروی تخصصی، کارگری و حتی جوانب اجرایی اظهار نظر شده است؟ [۱۳](#)

به طور واضح، هدف انتقال آب از دریاهای جنوب کشور چه مناطقی هستند؟ [۱۴](#)

با فرض اینکه یکی از نواحی هدف، شهر یزد باشد، با فرض اختلاف ارتفاع ۱۲۳۰ متری از سطح دریا و ۷۰۰ کیلومتر فاصله، باید شب متوسط حدود ۲ متر در هر کیلومتر در این مسیر وجود دارد. چگونه قرار است این کanalها بر این شب غلبه نمایند. [۱۵](#)

اصلًا بدون تأمین انرژی هنگفت آیا امکان انتقال وجود دارد؟ [۱۶](#)

حال آنکه فرض شده است که حتی این کار باعث تولید برق نیز خواهد شد. [۱۷](#)

۲- انتقال آب شور از دریا به خشکی، بدون تصفیه آن به هیچ عنوان قابل پذیرش نیست. کافیست به سایر موارد در سطح دنیا رجوع شود. اگر با انتقال آب شور از دریا به خشکی، مشکل کم آبی قابل رفع شدن بود، خاورمیانه با وجود دریاهای متعدد، جزء خشکترین نقاط جهان به حساب نمی‌آمد. تمامی تکنیک‌های انتقال آب از دریا باید بر اساس شیرین سازی آب در مبدأ و تعیین حدود مصرف در نقاط هدف انجام گیرد. اینکه به صورت ضربتی اقدام به احداث کanal، لوله و یا هر اینکه دیگری شود و شخص نباشد که این آب شور دقیقاً به چه مصری می‌رسد، انتقال آب شور تنها یک سم مهلك برای حیات در نواحی مختلف کشور خواهد بود و ممکن است اکوسیستم زخم‌خورده کشور را به ورطه نابودی کامل بکشاند. [۱۸](#)

ممکن است ذکر شود که قبل از انتقال آب، شوری‌زدایی آن انجام خواهد شد. در این صورت نیاز به هیچ طرح توجیهی نخواهد بود.

مسلماً عامل محدود کننده اصلی، هزینه شیرین سازی آب است. هزینه این کار بین تا ۶ هزار تومان در هر مترمکعب متغیر است که باید به آن هزینه‌های انتقال را نیز افزود و بنابراین حداقل ۱۵ هزار تومان برای شیرین سازی و انتقال (فقط هزینه انرژی) منظور کرد. در صورتی که هدف از این کار رفع کمبود آب در کشور باشد، باید تقریباً ۴۰ میلیارد مترمکعب آب از این طریق در سال استحصال شود (جبان کسری تقریبی آب تجدید شونده کشور). این کار مستلزم هزینه تقریبی ۶۰۰ هزار میلیارد تومان در سال

است. حال این مبلغ را با کل بودجه عمرانی سال ۱۳۹۷ (۶۰ هزار میلیارد تومان) مقایسه کنید. این بدان معنی است که دولت باید ۱۰ برابر کل بودجه عمرانی کشور در هر سال فقط به شیرین سازی و انتقال آب اختصاص دهد.^{۱۸}

حتی در صورت لحاظ کردن هزینه احداث کانال‌ها و ابنيه، دولت باید در طی یک سال تمام درآمد کشور اعم از نفت و مالیات و ... را صرف این کار کند.^{۱۹}

بنابراین لازم به توضیح بیشتر نیست که چنین طرح‌هایی قرار نیست مشکل آب کشور را در سطحی که جناب آقای بهرامی در نظر دارند رفع کند. در این حالت فقط باید انتظار داشت که بتوان آب شرب را نواحی بسیار حساس برآورده کرد و این کار نیز باید با توجه به مدیریت مصرف انجام شود.^{۲۰}

-۳ در متن پیشنهادیه ذکر شده است که یکی از تفاوت‌های این طرح با سایر طرح‌های در دست مطالعه آن است که قادر به آبرسانی به تمامی شهرها و روستاهاست، (مثلًاً ذکر شده طرحی که در مجلس در دست بررسی است، تنها آبرسانی به شهرها را مدنظر دارد). آیا قرار است تمامی سطح کشور پر از لوله و کanal شود؟^{۲۱}

این کار را شاید بتوان در یک مزرعه یا دشت انجام داد، ولی برای کل کشور این کار ابدًاً ممکن نیست. حتی در مورد جاده‌ها نیز امکان عبور از هر نقطه‌ای وجود ندارد. کanal آب یا لوله که قرار است روی زمین یا زیر آن احداث شود، سیم یا دکل برق نیست که بتوان در هر نقطه احداث کرد و از روی تمام اراضی عبور داد.^{۲۲}

-۴ نویسنده هیچ گونه جزئیاتی در مورد روش، مکان و حجم شیرین سازی آب ارائه نداده است که ضروری است ارائه گردد.^{۲۳}

همچنین بزرگ‌ترین دستگاه آب‌شیرین‌کن دنیا در ریاض عربستان حداقل ظرفیتی حدود ۷۳۰ هزار مترمکعب در روز دارد. لذا بنظر می‌رسد در این طرح قرار است ارقام بسیار بزرگ‌تر در حد چند میلیارد مترمکعب در سال شیرین سازی آب صورت گیرد.^{۲۴}

ضمناً چنین حجم عظیم شیرین سازی در خشکی اگر انجام شود با توجه به حجم عظیم پساب تولیدی، خود معضل زیست‌محیطی بزرگی را موجب خواهد شد که می‌بایست در طرح نحوه رفع این مشکل توضیح داده شود.^{۲۵}

با توجه به مطالب بالا بنظر می‌رسد اینگونه موارد نیازمند مطالعات کامل فنی از لحاظ برآوردهای اقتصادی، نقاط مصرف و اولویت‌بندی صحیح است.^{۲۶}

به علاوه این طرح‌ها برای مقاصد موضعی و رفع نیازهای ضروری قابل توجیه است و فرض حل کردن کل مشکل آب کشور با این طرح اشتباه است.^{۲۷}

متنازعات جواییه ما به متخصصین

بسم الله الرحمن الرحيم

قال الله تبارك و تعالى: و جعلنا من الماء كل شىٰ حى خداوند همه چيز از آب زنده قرار داده است.

ضمن تشکر از جناب آقای دکتر افتخاری و با آرزوی موفقیت برای شما و تمامی همکاران شما نکاتی را زحمت‌کشیده و بیان فرموده‌اید را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

بنده از بعد مطالعه متن شما قسمت‌هایی از متن را که باید جواب داده شود را شماره گزاری نموده و عیناً متن شده با جواب ارائه داده می‌شود.
پیش‌پیش از صریح گویی خود عذر طلب نموده و بینی و بین الله آنچه را که باید بگوییم ملاک قرار داده‌ام تا جوابی برای فردای نزدیک داشته باشم.
جواب کلی به متن:

۱- همان‌گونه که در جلسه‌ی تاریخ ۹۶،۸،۳ به مدت ۵ ساعت در حضور شش نفر از متخصصین شما بیان گردید تمامی راهکارهای موجود در ایران برای بحران خشک‌سالی فاقد ارزش بوده و عملیاتی نجات‌بخش نیست، عمدۀ طرح‌هایی که مطرح است مربوط به: بارورسازی ابرها، تغییر الگوی مصراف در بخش صنعت و کشاورزی و خانگی و خرید آب از خارج کشور و طرح‌های انتقال آب می‌باشد که در آنجا اثبات نمودیم تمامی راهکارهای موجود یعنی قبول مرگ برای دین و ملت در آینده‌ی بسیار نزدیک، لذا تنها زمانی توانایی نقد راهکارهای ما امکان دارد که الگوی بهتری را بتوانید ارائه دهید که تا کنون این امر میسر نشده است، باز اعلام می‌داریم اگر الگویی دارید ارائه فرمایید.

۲- دلیل دیگر فاقد ارزش بودن تمامی راهکارهای موجود در کشور این است که هیچ‌کدام از این راهکارها امروز برای ما ممکن نداشته و هر کدام به بهانه‌ای امر را به فردا موکول نموده است که عمدۀ مشکل در تمامی طرح‌ها مربوط به هزینه و عدم اعتبار می‌باشد، الحمد لله که در طرح‌های ما این اشکال حل شده و در اشکالاتی که شما برای ما عنوان نموده‌اید این مطلب به چشم نمی‌خورد و تنها شما مشکل هزینه را در بحث شیرین سازی مطرح نموده‌اید که آن هم در همین متن جواب داده می‌شود، یعنی شما با ارسال این اشکالات برای ما در حقیقت یک مطلب را ضمناً قبول نموده‌اید که هزینه برای اجرای این پژوهشی عظیم ملی وجود دارد و ایران اعتراف ضمنی قدمی بسیار بزرگ می‌باشد.

۳- همان‌گونه که میدانید بنده نه متخصص آب بوده و هستم و نه هیچ‌گاه در دانشگاه آب درس خوانده‌ام و... و ارائه طرح آب با زبان دانشگاه تنها برای این است که متخصصین این حوزه در فکر فرو بروند که شاید دو طرح غیرعادی ما نیز قابل تأمل باشد، بله بنده با زبان تخصص شما برای شما اثبات می‌نمایم که در یک سال می‌توان و باید مشکل خشک‌سالی را بر طرف نمود و بعد از اثبات این مطلب خود این طرح را باطل نموده‌ام و می‌گوییم ما برای برطرف کردن مشکل آب یک سال هم زمان نداریم، چرا که خشک‌سالی در هر ثانیه بلکه هر لحظه ضربات جبران‌ناپذیری در مقیاس‌های بسیار بالایی به ما می‌زند که حقیقتاً شمارش آن مصیبت‌ها از توان همه‌ی ما بیرون است، تنها اشاره‌کنم تمامی مشکلات آشکار و پنهان سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی ما به خشک‌سالی بازگشت دارد و این مشکل تمامی دستاوردهای انقلاب و قبل از آن را به نابودی می‌کشاند و ملت ما را به سقوط و هبوط می‌کشاند.

۴- هیچ‌کدام از اشکالات شما وارد نیست چرا که بنده در طرح عادی یک ساله چیز جدیدی را ارائه نداده‌ام بلکه بنده گفته‌ام باید طرح‌هایی که سال‌هاست مطرح است با جدیت تمام اجرایی شود و در یک سال به ۷ میلیارد ، اگر برای اولین بار بود که مطرح می‌کردم شاید اشکالات شما قابل تأمل بود ولی در جایی که در این مملکت این طرح‌ها در حال اجراست اشکالات شما جایی برای مطرح شدن ندارد، اگر طرح ما اشکال دارد آنچه در حال اجراست هم اشکال دارد، چرا در آنجا اشکال نکردید؟ اگر آنچه اشکال ندارد پس چرا در اینجا اشکال می‌کنید؟ اگر مشکل شیرین سازی و بالا و پایین بردن آب در طرح ما می‌باشد خوب در آنجا هم هست هر گونه که آنان حل کردنند ما هم حل می‌کنیم ، و لذا به تمامی اشکالاتی که شما مطرح کرده‌اید قبلًا جواب داده شده است و چه بسا اصلًا با توجه به این مسئله نیازی نبود که ما پاسخ دهیم، اما به اشکالات شما از منظر دانشگاه پاسخ می‌دهم تا شاید گمان

شما به اینکه چه بسا در طرح‌های غیرعادی خود نیز توانا باشم برای شما افزوده شود و بتوانیم ملت و دین را از این گردنی و حشتناک نجات دهیم.

۵ آنچه در متن می‌اید رعایت ایجاز و پرهیز از حاشیه است، ولی حقیقتاً در نظر ما آب یک مسئله نیست آب همه‌ی مسائل است، و اگر احتمال حاشیه گویی باشد نیز اثبات می‌نماییم حاشیه نبوده و به متن بر می‌گردد، لذا باید دانست که اشکالاتی اگر مطرح گردد باب مطالب بسیاری را برای ما باز می‌نماید.

۶-لذا با این پنج فرض اقدام به پاسخگویی موارد ذکر شده می‌نماییم.

پاسخ به متن اشکالات، بنده سعی نمودم به تمامی مواردی که در نظرم احتیاج به پاسخگویی دارد بپردازم و اگر احتمالاً موردی از قلم افتاده دوباره می‌توانم رفع شبهه نمایم ، لازم است این مطلب را تذکر دهم که چه بسا برای یک مطلب چند جواب مطرح نموده باشم و اگر آن مطلب باز هم مورد مناقشه‌ی شما می‌باشد اگر تمامی جواب‌ها را نقد ننمایید مطلب را باطل نساخته‌اید لذا درخواست دارم اگر مطلبی از مطالب بیان شده مورد قبول شما نیست پاسخ دهید و الا مطلب تمام و اثبات شده می‌باشد و هیچ‌گاه کلی گویی مطلبی را باطل نمی‌نمایید.

متن:

۱ - علیرغم گذشت سالیان متمادی از مطرح شدن بحث انتقال آب از دریا به مناطق مرکزی کشور، هنوز اقدام عملیاتی و اجرایی در این زمینه انجام نشده است. تنها مواردی که در مورد بهره‌برداری آب از دریاها به مرحله عمل رسیده است، مسئله شیرین سازی آب در برخی نواحی بوده است و مسئله انتقال آب دریا باهدف تأمین کسری آب در بخش عمده‌ای از کشور، سابقه اجرایی ندارد.
۱:
جواب:

۱-چرا برای انتقال آب از دریا اقدام عملیاتی و اجرایی انجام نداده‌اید؟

۲-اینجا هر پاسخی داده شود محکوم است، نمی‌توانید بفرمایید نمی‌شود، چرا که این کار شدنی است، نمی‌توانید بفرمایید هزینه نداریم که اگر مشکل هزینه بود باید مشکل هزینه انتقال زیرساخت را بیان می‌کردید ولی مشکل هزینه را مطرح نکرده‌اید پس هزینه هم وجود دارد کما اینکه در قطره‌ی ۷۳ مطرح کرده و جواب داده‌ایم.

۳-شما خود اعتراف دارید برای شیرین سازی در برخی نواحی اقداماتی انجام داده‌اید، اشکال عمده‌ی شما به ما در طرح عادی بحث شیرین سازی بوده است، لذا جواب آینده را اجمالاً همینجا جواب می‌دهیم، به همان‌گونه‌ای که در همان بعض نواحی آب را شیرین کرده‌اند همان‌گونه در ابتدای برداشت از آب دریا آب را شیرین می‌کنیم و بعد انتقال می‌دهیم، اگر آنجا مقرون به صرفه است در اینجا هم هست، اگر اینجا مقرون به صرفه نیست پس چرا آنان اقدام نموده‌اند؟

۲-با این وجود مطالعات متعددی در زمینه اجرای این چنین طرح‌هایی انجام گرفته است تا جوانب علمی، فنی، زیست- محیطی، اجتماعی و اقتصادی آن‌ها بررسی گردد.
۳-سؤال: به نظر شما آیا ما برای حل کردن مشکل آب بیش از حد وقت را تلف ننموده‌ایم؟ این مطالعات متعدد تا چه زمانی ادامه خواهد داشت؟

مسئله خیلی واضح است، پیشرفت و توسعه‌ی ما به آب بستگی دارد و اگر آب نباشد ما به همراه خود، نسل آینده و تمامی دستاوردهای حال و گذشته را می‌بریم، پس باید آب بیاید، طبق علوم دانشگاهی آب باید از دریا انتقال داده شود و شیرین سازی و تصفیه شود، هم راهکار انتقال وجود دارد و هم راهکار شیرین سازی، آیا جایی برای بهانه باقی است، چه چیزی را می‌خواهید مطالعه فرمایید؟ اگر واقعاً سؤالاتی دارید بفرمایید تا سریعاً پاسخ‌گوییم.

۳- پیشنهادیه ارائه شده توسط جناب آقای بهرامی را در دو بخش کلی می‌توان مورد بحث قرارداد. بخش اول این پیشنهادیه که قسمت عمدایی از آن را نیز شامل می‌شود، مربوط به بیان اهمیت تأمین آب در نواحی خشک و کم آب کشور است.^۳

۵- اشتباه اینجاست متن بنده شامل سه بخش کلی است

الف: اثبات اینکه حتی یک ساله از طریق عادی هم می‌توان و باید مشکل آب را حل نمود.

ب: اثبات اینکه در تمامی نواحی باید مشکل آب را حل نمود، در نواحی گرم و خشک به علت اینکه در غیر این صورت مردم آن نواحی به مناطق پر آب کوچ می‌کنند و از دو نظر مشکل پیش می‌اید: **الف:** مناطقی که خالی از سکنه شده‌اند به علت خالی شدن مورد تهدید دشمن خارجی قرار می‌گیرد **ب:** مناطقی که پر آب است به علت هجوم و ازدحام ایرانیان مورد تهاجم قرار می‌گیرد پس باید مناطق خشک را از خشک‌سالی نجات داد، اما مناطقی که مشکل خشک‌سالی ندارند را باید آب رسانی کرد چرا که اگر چه آنان برای آب شرب مشکل ندارند ولی خشک‌سالی کشاورزی پیدا نموده‌اند که ما امروز شاهد خشک‌سالی در مناطق پر آب نیز هستیم مانند سبلان، گلستان، اصفهان، پس ما در تمامی کشور مشکل خشک‌سالی داریم چه مناطق خشک و چه مناطق تر، اگر نتوانیم خشک‌سالی کشاورزی و صنعتی و ساخت‌وساز را بر طرف نماییم باز هم کشور رو به نیستی و نابودی می‌رود چرا که در این صورت احتیاج غذایی به خارج خواهیم داشت و در اینجا ما هیچ‌گاه نمی‌توانیم با واردات مشکل غذا را حل کنیم دلیل آن این است که اگر احتیاج غذایی به خارج پیدا نماییم در آن زمان قیمت اجناس را آنان تعیین می‌کنند، شاید حتی برای یک کیلو گندم مجبور باشیم یک بشکه نفت بدھیم، یا مجبور باشیم قسمتی از مملکت را به آنان بدھیم و در صورت تمام شدن مواد خام باید چه کینم؟ خدا می‌داند، لذا اگر بخواهیم در مملکت پمانیم مساوی با مرگ است، اگر بخواهیم تمامی ایرانیان را کوچ دهیم سؤال این است: به کجا سفر کنیم و چه کشوری ما را پذیرا خواهد بود؟ لذا اتفاقی که برای مردم آواره‌ی سوریه‌ای افتاد برای ما تکرار خواهد شد، لذا چاره‌ای نداریم جز اینکه سریعاً تمامی سرزمین را آب رسانی کنیم تا هیچ کس به فکر کوچ از خانه و کاشانه‌ی خود نیفتند و حتی بنده قائل هستم که در این صورت کوچ معکوس صورت می‌گیرد که ما شاهد کوچک شدن شهرها و بزرگ و آباد شدن روستاهای شویم و حتی می‌توانیم به الگویی برسیم که پناه‌پناه‌جویان خارجی شویم، آنان برای زنده ماندن به ایران می‌ایند و ما هم با استقبال از آنان پذیرایی می‌نماییم، هم پناه داده‌ایم و هم نیروی کار را تأمین نموده‌ایم دقیقاً هما نکاری کاری که استکبار با ما نمود ما با الگوی اسلامی عمل می‌نماییم.

ج: مطلب دیگری که در طرح پیشنهادی یک ساله انجام داده‌ام که حائز اهمیت است ضمن اثبات اینکه یک ساله می‌توان مشکل را حل نمود این است که: اثبات نموده‌ام طرح‌های عادی هیچ‌گاه برای ما نجات‌بخش نیست و چند دلیل در متن گنجانده شده است، **اول:** یک ساله مشکل حل می‌شود و این برای ما زمانی طولانی است. **دوم:** هزینه دارد و اگر چه که اثبات نموده‌ام هزینه قابل تأمین است ولی برای بنده که علم‌دارم می‌توان بدون هزینه و زمان خشک‌سالی را بر طرف نمود معقول است که این طرح را نیز باطل بدانم. **سوم:** این طرح باطل است چرا که در طرح عادی آب به زمین‌های بایر و دشت‌های دور از دسترس نمی‌رسد و همان‌گونه که میدانید ۲۰۰ دشت کشور که هزاران سال است آباد بوده‌اند در اثر خشک‌سالی رو به نابودی رفته‌اند و این چیزی نیست که قابل قبول باشد، در طرح عادی آب به دشت‌ها و زمین‌های بایر نمی‌رسد، **چهارم:** یکی از دلایل باطل بودن طرح عادی این است که اگر ما تنها مشکل ایران را حل نماییم در این صورت ایران نامن شده و مورد هجوم دیگران واقع می‌شود لذا بنده گفته‌ام که اگر می‌خواهیم نجات یابیم باید در ابتدا ایران را نجات دهیم و بعد به سمت نجات تمامی کشورها از خشک‌سالی حرکت نماییم در اینجاست که ما نجات‌یافته و نجات می‌یابیم، در غیر این صورت در الگوی مبارزه با غرب و آمریکا در جنگ نرم و به دست آوردن جمیعت طرفدار، آمریکایی‌ها می‌توانند مشکل خشک‌سالی کشورها را حل نمایند و ما ایرانیان در این رقابت شکست می‌خوریم.

۶- این قسمت نه به صورت یک بخش یکپارچه، بلکه به صورت پراکنده در تمامی این پیشنهادیه مورد تأکید و تکرار قرارگرفته است. جهت تأکید بیشتر بر این مقوله، ایشان سعی نموده‌اند تا با استناد به برخی شواهد وقایع تاریخی (نظری خشکسالی سال‌های ۱۲۹۶ تا ۱۰۳۴، احداث راه‌آهن در زمان حکومت پهلوی اول و ...)، به اهمیت موضوع بیفزایند. ۷

جواب:

۷- مسئله اینجاست آن چیزی که ما را وادر می‌کند که به هر تقدیری که شده مشکل را حل نماییم فهم و اهمیت موضوع است و مشکل اصلی ما این بوده که اهمیت آب و خطر نبود آن به صورت یک امر اساسی و محوری مورد توجه نبوده و نیست، لذا باید دائمًا اهمیت آب و خطر پیش رو پر رنگ شود، آن چیزی که سبب شده تا کنون معضل آب حل نشود این بوده که تا کنون این خطر برای ما به صورت جدی و شفاف بیان نشده است، بله هنوز ایرانیان نمی‌دانند که در سال ۱۲۹۸ در ایران ۴۰٪ ایرانیان جان باختند، هنوز ما نمی‌دانیم پیشرفت در همه‌ی شئون به آب بستگی دارد، هنوز نمی‌دانیم ایجاد اشتغال بدون آب امکان ندارد و دهها مسئله‌ی دیگر و الا خود شما از ما بهتر میدانید که به راحتی می‌توان آب را شیرین سازی نمود و انتقال داد و این امر احتیاج به مطالعه زیادی ندارد، سؤال می‌کنم اگر شما کسی را بینید که از تشنگی در حال مردن است چه کار می‌کنید؟ مطالعه می‌کنید؟ بررسی می‌کنید؟ و ... آیا رostaهای ما در حال مردن نیست؟ آیا تعداد رostaیان از ۶۹٪ به ۲۹٪ نرسیده است؟ در سال ۱۴۰۲ ما چند درصد رostaشین خواهیم داشت؟ غذای ما را چه کسی تأمین می‌کند؟ اگر قرار است پول بدھیم و غذا بخریم، چه چیزی باید بفروشیم؟ اگر آب نداشته باشیم آیا چیزی برای فروش داریم؟ آیا می‌توان بدون آب کشاورزی کرد؟ آیا می‌توان بدون آب صنعتی بود؟ آیا حتی می‌توانیم فولاد تهیه نماییم؟ آیا می‌توانیم جمعیت را افزایش دهیم؟ آیا می‌توانیم شغل ایجاد نماییم؟ آیا می‌توانیم مشکل مسکن را بر طرف نماییم؟ آیا می‌توانیم جمعیت را زیاد کنیم؟ آیا می‌توانیم از روند بزرگ و کلان شدن شهرها جلوگیری کنیم؟ آیا می‌توانیم از سقوط ارزش ریال جلوگیری کنیم؟ در متن شما آمده که بنده خواسته‌ام به تورم جلوگیری نماییم؟ آیا می‌توانیم از اشتباہ می‌فرمایید بنده هنوز اهمیت موضوع را بیان نکرده‌ام فقط اشاره‌ای اینکه اگر آب را آوردم و مشکل را حل کردیم که خدا را شکر و الا در غیر این صورت جامعه‌ی ایران رو به براندازی است و این جریان در سال‌های ۱۴۰۲ الی ۱۴۰۴ تکمیل می‌گردد، با عرض شرمندگی از اینکه واضح می‌گوییم: بنده به عنوان یک روحانی شیعه هیچ‌گاه قبول نمی‌نمایم که به علت سهل‌انگاری امروز شما و اینکه مشکل عظیم را کوچک دانسته‌اید جامعه‌ی ما فعل شما را به پای روحانیت بگذارند و در اغتشاشات آینده‌ای که نزدیک است شعار مرگ بر ... سر دهد و درود بر پهلوی و بازگشت او را خواهان باشد، بدانید اقتصاد فلچ شده‌ی ما از خشکسالی است و زمینه‌ی اغتشاشات در ایران فراهم شده است و فعل امروز شما به پای ما نوشته می‌شود لذا بنده اعلام می‌دارم یا مشکل را سریعاً حل نمایید و یا اگر نمی‌توانید گوش کنید تا حل نماییم و الا باید همه بدانند این نامه‌ها اهم حجتی است که در صورت عدم استماع، ما هیچ کمی و کاستی را به عهده نخواهیم گرفت و فعل شما به ما ربطی ندارد.

۷ همچنین در این رابطه انتقادی نیز به عملکرد مسئولین وارد شده است. از این دیدگاه تناقضاتی در برخی مطالب ارائه شده به چشم می‌خورد، ولی به دلیل ارتباط غیر مستقیم این مطالب با مقوله تخصصی انتقال آب از دریا، به نقد و بررسی آن‌ها پرداخته نمی‌شود. ۷

جواب

۷- ما خود را معصوم نمی‌دانیم و حتماً در کلام و گفتارمان اشتباہ داریم، ولی درخواست داریم اگر موردي را در نظر دارید بفرمایید تا حق برادر دینی را در حق ما تمام نموده باشید و ما هم پذیرا هستیم و الا در غیر این صورت ما که صادقانه نوشته‌ایم به تکلیف خود عمل نموده‌ایم ولی شما هم باید به تکلیف خود که امر به معروف و نهی از منکر است عمل نموده باشید لذا منتظر هستیم تا نقدهای شما را بینیم، درحالی‌که شاید اشکالاتی که در ذهن شما مطرح است، حقیقتاً اشکال نباشد و جوابی را آماده داشته باشیم، لذا کلی گویی را

قبول نمی‌کنیم و تا تناقض را به صورت آشکار بیان ننموده باشد قبول نمی‌نماییم، و ادعا داریم مطالبی که غیر مستقیم به آب عنوان شده نیز ارتباط با آب دارند.

بخش دیگری از این پیشنهادیه به موضوع فنی انتقال آب از دریا اشاره نموده است. این بخش فرض را بر این قرارداده است که انتقال آب از دریای خزر به دلایل سیاسی و فنی قابل قبول نبوده و از طرف دیگر با قطعیت کامل بر انتقال آب از دریای عمان و همچنین خلیج‌فارس صحه گذاشته است. \triangle

جواب

۱۷: اگر شما انتقال آب از خزر را قبول دارید به طریق اولی باید انتقال آب خلیج‌فارس و دریای عمان را قبول داشته باشید.

۱۸.۲: اگر راهکار شما انتقال آب دریای خزر است اعلام دارید تا مشکلات عدیدهای که در آنجا وجود دارد را بیان کنیم لذا چند اشکال عمده را بیان می‌داریم:
اشکالات انتقال آب خزر به فلات ایران:

الف: اگر در انتقال آب خلیج‌فارس و دریای عمان اشکالی جود دارد در انتقال آب خزر اشکالات دهها برابر می‌شود.

ب: آب خزر محدود است و به دریاهای آزاد ارتباط ندارد به خلاف آب جنوب، لذا هر چقدر از آب خزر برداشته شود اکوسیستم خزر به خطر می‌افتد به خلاف آب جنوب، چرا که با برداشت آب خزر آب در آن دریاچه کم می‌شود به خلاف آب جنوب که به دریاهای آزاد ارتباط دارد و هرچقدر آب برداریم آب کم نمی‌شود و دلیل این مطلب گرمای کره‌ی زمین است که موجب ذوب شدن دو قطب شده است و آب ذوب شده درون دریا می‌ریزد و همان‌گونه که میدانیم یکی از مشکلات کشورهای حاشیه‌ی دریاهای آزاد بالا آمدن آب و از دست رفتن خاک می‌باشد که کشورهای مختلف هر کدام راهکاری را اتخاذ نموده‌اند لذا با برداشت آب از جنوب ما به جامعه‌ی جهانی نیز خدمت کرده و چه بسا آنان از ما تشکر هم بنمایند، بعضی از کارشناسان ۸۰ متر و بعضی تا ۸۰ متر اعلام نموده‌اند که آب بالا می‌اید که می‌توان برای این منظور به توپوگرافی‌های خشک‌سالی و دریا و مقالات علمی مراجعه نمود.

ج: هر اشکالی که در پس آب دریای جنوب بیان فرمودید در پس آب خزر نیز بیان می‌شود مضافاً بر اینکه در جنوب به علت نزدیک بودن به استوا و قوت بیشتر خورشید می‌توان از انرژی خورشیدی برای تبدیل پس آب به نمک دریایی استفاده نمود ولی در دریای شمال این امر ناممکن است.

د: یکی از مشکلات آب خزر ارتفاعات البرز و زاگرس است که این مشکل اقلیمی در آب دریای جنوب مرتفع شده است، شما برای انتقال آب خزر چه کار می‌خواهید انجام دهید یا باید آب را بالا ببرید و سپس پایین بیاورید؛ یا اینکه باید در کوه تونل بنزیند که میدانید این امر بسیار سخت است، یکی از اشکالات شما به طرح ما مشکل اختلاف سطح یزد با خلیج‌فارس بود که مثلاً بیان فرموده‌اید که اختلاف سطح ۱۲۳۰ متری را چه کار خواهیم کرد؟ حال بندۀ سؤال می‌کنم اختلاف سطح خزر با زاگرس و البرز را چه می‌خواهید انجام دهید؟

ه: یکی از مشکلات دریای خزر محدود بودن آن بین چند کشور است، آیا شما قبول ندارید که در صورت موفق بودن و اجرایی نمودن طرح انتقال آب خزر آنان در آینده اعتراض خواهند نمود؟ بله این احتمال کاملاً درست و عقلی است، لذا نمی‌توان با این احتمال مهم اقدام به آن عمل نمود، حتی بندۀ احیاء دریاچه‌ی ارومیه را نیز به واسطه‌ی خزر باطل میدانم، دریاچه‌ی ارومیه را باید سریعاً احیاء نمود ولی از طریق خزر، اشتباه است چرا که در طولانی مدت خزر به مشکل بر می‌خورد که در آن صورت تمامی دنیا علیه ما می‌شوند، باید دریاچه‌ی ارومیه را از طریق دیگری احیاء نمود.

و: یکی از مشکلات اکوسیستم است که هر مشکل اکو سیتمی که در دریای جنوب مطرح شود دهها برابر آن در خزر مطرح است.

نـه شما یکی از مشکلات را اختلاف سطح مطرح نموده‌اید درحالی‌که همه میدانیم سطح دریای خزر نسبت به خلیج فارس ۲۹ متر پایین تر است یعنی اگر ما دو کوه البرز و زاگرس را نیز در نظر نگیریم باز هم برای انتقال خزر مناسب نیست چرا که آب خزر نسبت به جنوب پایین تر می‌باشد و آب را باید بالا آورد.

۹- در این راستا پیشنهادی مبني بر نحوه تأمین منابع مالي (از محل طرح هدفمندي يارانه‌ها) و تخميني نيز از نيريوي متخصص (۲۱۶۰۰ نفر) و نيريوي كارگري (۱۳۰۰۰ نفر) ارائه شده است و اين امر را در راستاي اشتغال‌زايي دانسته است.^۵

جواب:

۱۰: آيا قبول نداريد از ابتداي شروع پروژه قدمی بلند برای اشتغال‌زايي برداشته ميشود که البته شغل مستقيم پروژه ۱۵۰ هزار نفر واقعی است و الا اگر بخواهيم دقیق حساب نماییم بسیار بیشتر می‌باشد.

۹۲: آيا قبول نداريد در صورت موفقیت زمینه برای ایجاد میلیون‌ها شغل در ایران فراهم ميشود؟
۹۳: تأمین منابع مالي ما به هیچ‌وجه از محل هدفمندي يارانه‌ها نمي‌باشد، متن را به دقت بخوانيد در آنجا اثبات نموديم که اگر دولت محترم که اعلام نموده بود ما ۷۰۰ هزار شغل ایجاد نموديم آن منبع را به آب اختصاص داده بود مشکل آب حل می‌شد و البته در صورتی که دولت هم کمک نکند از طریق مشارکت عمومی این امر قابل حل می‌باشد، ما تنها مقایسه‌ای بین هزینه برای اجرای این پروژه و يارانه‌ها داشته‌ایم.

۹۴: و با توجه به اهمیت آب، صرف نمودن منابع مالي به غیر از حوزه‌ی آب به هیچ‌وجه توجیه عقلانی ندارد، وقتی ما مشکل آب داریم و اگر این مشکل حل نشود تمامی دستاوردهای حال و گذشته را از دست می‌دهیم، اگر بودجه‌ای هست باید صرف آب شود و نه چیز دیگری که متأسفانه چنین نیست.

۱۰- با فرض تحقق این موارد، مشکل اساسی این طرح را می‌توان در عدم توجیه فني آن دانست.^۶

جواب:

۱۱: عدم توجیه فني به معنای چيست؟ اگر به معنای اين است که: در اجرایی شدن جزئیات طرح امور تخصصی داریم که نیاز به پاسخ‌گویی دارد مطلب را به صورت مشخص و مصدقی بفرمایید تا جواب دهیم و الا اگر ضرورت و هدف و اجرایی بودن آن بدیهی است طرح توجیه فني دارد، و مسائل کوچک مصدقی را متخصصین جواب خواهد داد.

۱۲: نکته دوم چرا سؤال و مطلب طرح شود که جوابی واضح دارد طرح انتقال آب هم اکنون در دستور کار قرار دارد و مشغول اجرایی شدن است و اصل اشکال ما مربوط به این است که چرا تنها انتقال آب به یزد و سمنان و کرمان صورت می‌گيرد و یا اشکال دیگر ما این است که چرا طرح انتقال آب به ۱۸ استان کشور که در مجلس مطرح است به صورت جدی و عملیاتی انجام نمی‌گيرد اگر شما به ما اشکال می‌نمایید که توجیه فني نداریم آن‌ها هم ندارند، ولی اگر آن‌ها توجیه‌های را انجام داده‌اند پس عنوان کردن این اشکال در اینجا بی‌اساس می‌باشد، چرا که همان جوابها را در اینجا تکرار می‌کنیم.

۱۱- مشکل اصلی این طرح در توجه صرف به مقوله منبع آب می‌باشد. در این طرح فرض بر آن شده است که صرف وجود دریا در جنوب کشور و کم آبی در مناطق مرکزی، توجیه‌کننده این انتقال خواهد بود.^۷

جواب:

۱۱: ما اتفاقاً توجه صرف به مقوله منبع آب از دریای جنوب و مناطق مرکزی نداریم، لذا اینجا چند نکته را بیان می‌کنم:

الف: به زودی تنها منبع آبی قابل دسترسی برای ایران آب‌های شور خواهد بود، دلیل آن این است که آب‌های سطحی و زیرزمینی به زودی بخواهیم و یا نخواهیم تمام می‌شود و دو دلیل عمده‌ی آن استفاده‌ی کاربران از منابع آبی موجود (آب‌های سطح و زیرزمینی) و شدت گرمی هوا و عدم نزولات آسمانی است و تنها منبع آبی

دریاها خواهد بود و خواهی نخواهی یکی از چند کار را باید انجام دهیم، یا باید آب وارد کنیم که این امر هم به دلایل مختلف منتفی است یا باید مستعمره‌ی کشور دیگر باشیم یا باید مملکت را به دیگران بدھیم تا آنان مشکل آب ما را حل نمایند و یا باید با ذلت جان دهیم، لذا بهترین راه این است که با توکل و استمداد الهی هر چه سریع‌تر مشکل آب را خودمان حل و فصل نماییم.

ب: منبع دوم آب که منبع اصلی است آسمان است که بحث اصلی طرح نجات ایران از خشک‌سالی به واسطه‌ی اجرایی نمودن طرح غیرعادی به همین منبع آبی اشاره دارد، آبی پاک و زلال و شفاف و شیرین برای همه جای کشور و نه تنها فقط به شهرها و روستاهای آب برای زمین‌ها برای تمامی گیاهان و حیوانات و جمادات که همه به آب احتیاج دارد.

میدانم که شما هم اعتقاد به آب آسمان دارید و آنچه که دنبال می‌کنید بارورسازی ابرها می‌باشد اما با مشکل بودجه مواجه هستید، بدانید مشکل بودجه حل نمی‌شود و حل نخواهد شد و هر سال از سال قبل بودجه‌ی کمتری اختصاص می‌آید، فرضًا اگر مشکل بودجه هم حل شود باز هم به دلایل متعدد مشکل حل نمی‌شود که در یکی از قطراهای کتاب هزار و یک قطره مستقلًا به نقد تمامی راهکارهای موجود من جمله بارورسازی ابرها خواهیم پرداخت، ولذا عملاً بارورسازی ابرها اگر چه که عملی است ولی حقیقتاً منتفی است ولی بنده امری را که دنبال می‌نمایم بدون بودجه آن هم نه برای یک سال، آن هم نه برای یک مقطع زمانی در یک فصل خاص آن هم نه برای یک منطقه و یا یک شهر بلکه برای تمامی زمان‌ها و مکان‌ها می‌باشد و بدون صرف هزینه و زمان چندانی می‌باشد.

غرب با انفجار یون منفی و یا هارپ و هدایت ابرها و بارور کردن ابرها و یا تکنولوژی تأمین آب از رطوبت هوا مشکل را حل نموده است و ما با الگوی اسلامی دینی خود این مشکل را حل می‌نماییم، چگونه این امر محقق می‌شود و ماهیت آن چیست؟ سؤالی است که باید راهی را که رفته‌اند شما هم بروید تا بدانید و الا هیچ‌گاه توجیه این مطلب برای غیر اهل آن فاش شدنی نیست، ولی آنچه بعد از اجرایی نمودن آن جریان اتفاق می‌افتد این است که سطح آسمان دنیا به سمت ایران شب‌دار می‌شود و درون آسمان ایران چاله ایجاد می‌شود و ابرها حتی از قطب شمال و جنوب به سمت ایران حرکت کرده و در ایران سقوط می‌کند و ما شاهد نزولات بسیاری خواهیم بود.

اینجا ممکن است دوباره سؤالاتی که در جلسه‌ی ۹۶,۳,۸ مطرح شد و ما پاسخ دادیم مطرح شود که اجمالاً پاسخ می‌گوییم:

برای اجرایی نمودن این امر سه اتفاق باید انجام شود: ۱ امضاء لوح توسط تمامی مسئولین در تمامی شهرها به همراه امضاء مردم ۲ دفن ۳ آمادگی برای برف و سرما و نزولات بسیار آسمانی بدون این سه مقوله آن امور امکان ندارد، برفی که در بهمن ۹۶ به ایران آمد تنها گذر یک توده‌ی هوای سرد از ایران بود و انفطار صورت نگرفته بود با این حال دیدید که چه اتفاقی افتاد و چه مقدار مشکلات به وجود آمد اگر آن کمی طول می‌کشید بسیار ضررها یی بیش از آنچه مشاهده کردیم را می‌دیدیم که خبرهای ضرر آن برف و کولاک در آینده منتشر خواهد شد، ما در آن جلسه عرض کردیم اگر اعتماد به آن نوشته‌های غیرعادی دارید عمل کنید و الا ما قبل از اجرایی کردن آن اگر شرایط فراهم شود می‌توانیم آن امور را دو بار نشان دهیم و میدانیم که اگر نبینند باور نمی‌کنند و یقین نمی‌کنند و اگر ببینند یقین می‌کنند و انجام می‌دهند، باز هم اعلام می‌کنم در سال یکبار می‌توان آن امر را اجرایی نمود که سال ۹۶ گذشت و طبق وعده‌ی قبلی ما وارد بحران‌های بسیاری شدیم که می‌توان به زلزله‌ها و آشوبها و ضررها مادی و معنوی و کمی محصولات کشاورزی اشاره نمود ولی فرصت برای سال آینده می‌باشد و بازمی‌گوییم یا عمل کنید و اگر یقین ندارید شرایط راستی آزمایی را مهیا کنید تا نشان دهیم و یقین کنید و بعد از آن عمل نمایید.

۱۱.۲ لذا بازمی‌گوییم دو منبع آب داریم آب دریا و آب آسمان ما به آب آسمان اعتقاد داریم اما با روال جاری مملکت شما توانایی عملی انتقال آب از آسمان را ندارید، بله تکنولوژی موجود است ولی مشکل هزینه‌دارید،

مضافاً بر اینکه اگر لازم باشد اثبات می‌نماییم که هر چقدر هم به شما هزینه بدهند تا با کمک بارورسازی ابرها مشکل را حل کنید هیچ‌گاه نخواهید توانست مشکل خشک‌سالی را حل نمایید، دلیل آن این است که:
الف: ورودی ابر به ایران بسیار کم شده است و شما ابرهای واردشده را بارور می‌کنید، ابرها به نقاط سردسیر مهاجرت کرده‌اند و این مهاجرت بیشتر خواهد شد.

بنابر فرض بارور کردن تمامی ابرها آن هم با محاسبات دقیق که باعث ضرر نشود، باز هم هیچ‌گاه نمی‌توانید از نجات مرگ ۲۰۰ دشت کشور جلوگیری کنید و میدانید مقوله‌ی مرگ خاک و فرون‌نشست زمین از مقوله‌ی عدم باران و خشک‌سالی اهمیت کمتری ندارد.

۳۱۱ بازمیگوییم نگاه ما به خشک‌سالی فقط مختص مناطق خشک و کم آب نیست، اگر نگاه ما این بود که طرح دوازده کanal را پیشنهاد نمی‌دادیم بلکه تنها طرح انتقال آب به نیمه‌ی مرکزی و شرقی کشور را پیشنهاد می‌دادیم.

۴۱۱ گذشته از آنکه تمامی استان‌های کشور دچار خشک‌سالی شده‌اند.

۱۱۱.۵ نگاه ما به آب این است که به مناطق کم آب برای نجات از مرگ آب برسد و مناطق پر آب برای توسعه آب برسد و بعد از آن برای رفع خشک‌سالی جهانی قدم برداریم و چرا این کار را نکنیم زمانی که می‌توانیم ابر بحران جهانی خشک‌سالی را بر طرف نماییم.

۱- چگونه بدون مطالعه جامع فنی طرح، به چنین قطعیتی در مورد تعداد نیروی تخصصی، کارگری و حتی جوانب اجرایی اظهارنظر شده است؟
۱۲

۱۲.۱: بفرمایید و طرح را تکمیل فرمایید اگر نیرو کم است اضافه می‌کنیم؟ ولی اگر تعداد نیرو کافی می‌باشد دیگر جایی برای اشکال نیست مضافاً بر اینکه اظهارنظر در مورد جوانب اجرایی دلالت بر دقت در مسائل ریز دارد و از کلی گویی نیز پرهیز نموده‌ایم که درخواست داریم اشکالات را صریح و مشخص بفرمایید تا ما هم بتوانیم پاسخ دهیم.

۱۲.۲ آنچه در طرح به صورت آشکار معلوم است کار شبانه‌روزی است که در سه شیفت انجام می‌گیرد توجیه نفرات حاضر در طرح از این قرار است که تعداد تیم‌ها ۳۶۰ تیم می‌باشد که هر تیم عهده‌دار ۵۰ کیلومتر می‌باشد و هر تیم ۶۰ مدیر و مهندس دارد.

در هر شیفت کاری ۱۲۰ نفر کارگر متخصص کار می‌کنند: از قبیل جوشکار و آرماتوربند و راننده و راننده کامیون و لودر و ...

**به طور واضح، هدف انتقال آب از دریاهای جنوب کشور چه مناطقی هستند؟
۱۳**

۱۳.۱ این سؤال را در ضمن مطالب گذشته پاسخ دادیم و البته در متن هم پاسخ داده شده است، هدف ما انتقال به تمامی کشور است، مناطق خشک و بی‌آب را باید تأمین آب نمود تا از مرگ نجات یابند و مناطق تر سال ما را باید آب رساند چرا که آن‌ها اگر چه در آب شرب مشکل ندارند ولی در آب کشاورزی و صنعتی مشکل دارند و توسعه بدون آب معنی ندارد و اگر ما به سمت توسعه حرکت نکنیم باز هم نمی‌توانیم به سمت اهدافمان حرکت کنیم و قله‌های پیش رو را فتح نماییم، باید تالاب‌ها و دریاچه‌ها نیز آبرسانی نمود و به سفره‌های زیرزمینی نیز آب تزریق نمود.

۱۳.۲ لذا همان‌گونه که در طرح هم آمده این طرح را در هر سال باید ادامه دهیم تا به نتیجه‌ی مطلوب که آبادانی کل ایران است دست یابیم، مطرح نمودن این سؤال در این زمان مانند این است که کسی بگوید ما تا چه زمانی باید جاده بسازیم و یا اینکه تا چه زمانی باید خط راه آهن بسازیم؟ ما تا زمانی که ظرفیت آبادانی در کل کشور فراهم نیامده باید طرح را ادامه دهیم منتهی در سال اول چشم‌انداز تمامی استان‌ها است و بعد از آن دوباره طرح تکمیل می‌گردد.

۱۳.۳ چشم‌انداز طرح آبرسانی عادی در سال اول رسیدن آب به تمامی استان‌ها و در سال دوم ادامه‌ی آب رسانی به شهرها و ... می‌باشد، در هر سال با تکمیل پروژه آبرسانی برکات آب در شهرها و روستاهای هويدا

میشود و با توجه به اینکه: تولید داخلی به صورت عجیب افزایش میابد کار برای انجام در سال‌های بعد بسیار آسان‌تر میشود.

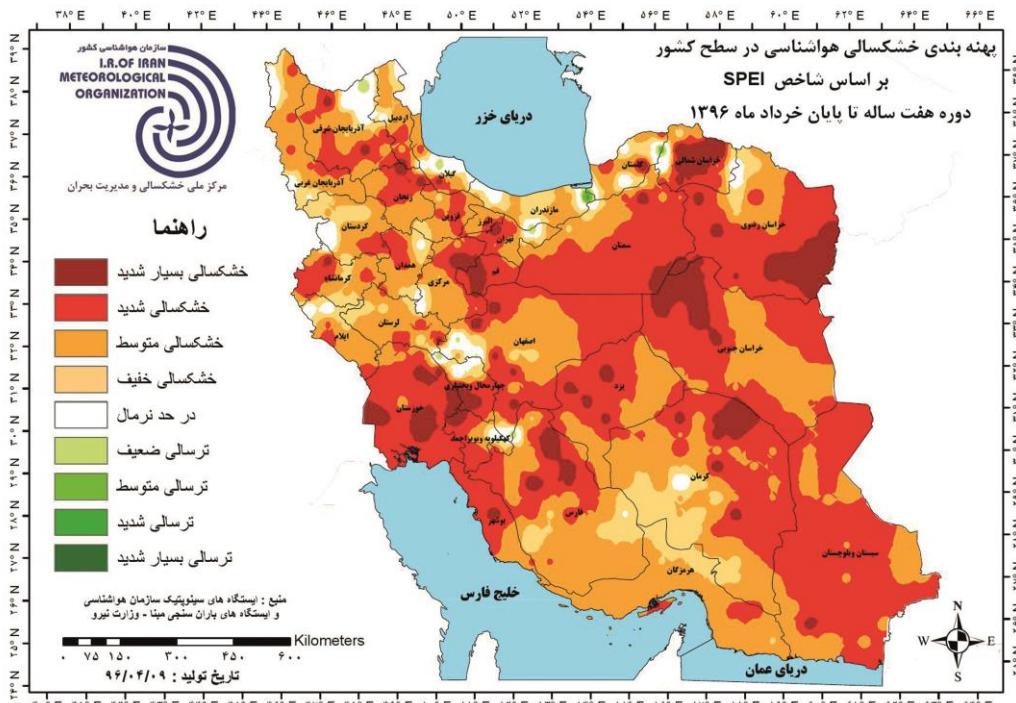
۴.۱۳.۱ نکته مهم و پر اهمیت دیگر آبرسانی به سدهای تولید برق آبی است که در اثر بی‌آبی خشکیده‌اند و حقیقتاً تغییر کاربری داده‌اند.

با فرض اینکه یکی از نواحی هدف، شهر یزد باشد، با فرض اختلاف ارتفاع ۱۲۳۰ متری از سطح دریا و ۷۰۰ کیلومتر فاصله، باید شیب متوسط حدود ۲ متر در هر کیلومتر در این مسیر وجود دارد. چگونه قرار است این کانال‌ها بر این شیب غلبه نمایند.^{۱۴}

۴.۱۴.۱ آبرسانی مختص یزد نیست بلکه برای تمامی کشور تا کوهپایه‌های البرز و زاگرس که شیب بسیار تند میشود و امکان آبرسانی محدود به صرفه نمی‌باشد که البته در این صورت مناطق کوهستانی نیز که دچار خشکسالی شده است نجات میابد زیرا دیگر لازم نیستیم برای تأمین آب مناطق خشک آب را از آن مناطق بیاوریم لذا آن مناطق نیز بدون آبرسانی از خشکسالی نجات میابند.

نقشه‌های مطالعاتی مجموعه‌تی وی شیعه دات کام، در مورد پروژه عظیم آبرسانی یک ساله به کل کشور

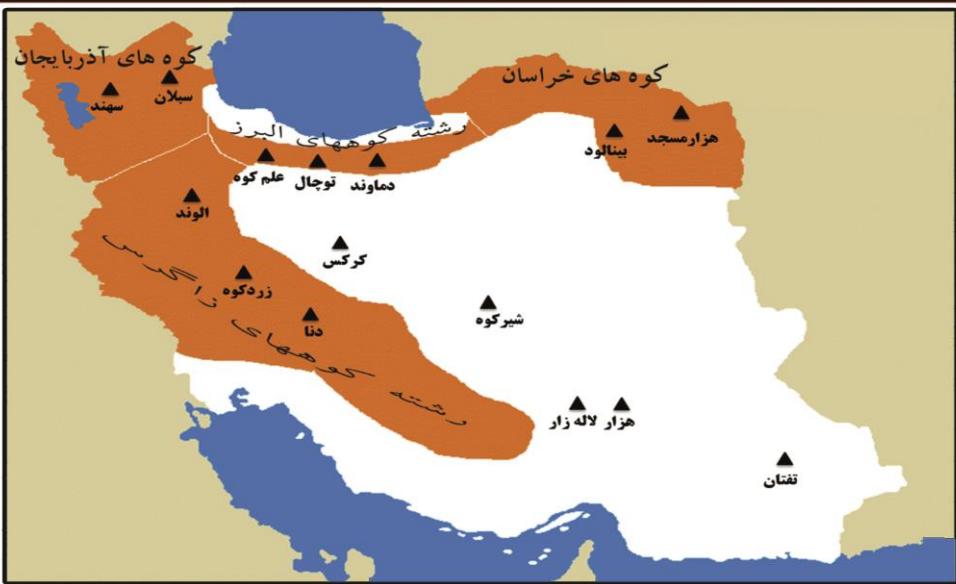
۰۱۶



admin: [@hodhodbash](https://t.me/hodhodbash) channel: [@hodhodbashid](https://t.me/hodhodbashid) [@tvshia](https://www.instagram.com/tvshia) www.tvshia.com

نقشه های مطالعاتی مجموعه تی وی شیعه دات کام، در مورد پروژه عظیم آبرسانی یک ساله به کل کشور

002



admin: [telegram](https://t.me/hodhodbash) channel: [@hodhodbashid](https://t.me/hodhodbashid) [@tvshia](https://www.instagram.com/tvshia) www.tvshia.com

۱۴.۲ حقیقتاً مطرح نمودن این اشکال (اختلاف سطح) بعید به نظر می‌رسید ولی جواب می‌گوییم:
الف: اختلاف سطح بین تهران و دریا ۱۲۰۰ متر می‌باشد.

ب: همه میدانیم که بین دو ماده سیال آب و نفت خام انتقال نفت از آب بسیار سخت تر می‌باشد.
ج: همه میدانیم در پانزده کیلومتری تهران پالایشگاه نفت وجود دارد و نفت این پالایشگاه از میدان نفتی مازون و اهواز تأمین می‌شود و اختلاف سطح بین تهران و اهواز ۱۱۸۸ متر می‌باشد چرا که اختلاف سطح اهواز ۱۲ متر از سطح دریاست و اختلاف سطح تهران از دریا متوسط ۱۲۰۰ متر است، لذا به هر طریقی که می‌توان اختلاف سطح اهواز تهران را برای نفت حل نمود ساده‌تر از آن می‌توان اختلاف سطح برای آب را حل نمود، دلیل آسان تر بودن این است که آب را می‌توان در زمین رها کرد به خلاف نفت، از آب می‌توان چندین بار برق تأمین نمود به خلاف نفت و آب سیلان بیشتری دارد به خلاف نفت که چسبنده است و چگالی بیشتری دارد.

گ: لازم به ذکر است به این مطلب توجه کنیم که آب مانند نفت نیست که هدف مشخص و نهایی داشته باشد، بلکه آب تا هر کجا باید یکی از اهداف تأمین شده است چرا که آب برای آن زمین احیاء کننده است به خلاف نفت که حتماً باید از اهواز تا تهران باید و هدف پالایشگاه است.

۱۴.۳ چگونگی غلبه بر شیوه‌ها:

۱۴.۳.۱: ما در قامی زمین‌ها شیب بالا نداریم و در زمین‌هایی که شیب نداریم و یا شیب پایین داریم می‌توانیم و باید کanal بزنیم و تولید برق نماییم.

۱۴.۳.۲: راه حل رایج غلبه بر شیب لوله و پمپ است که مشکل حل می‌شود ولی ما اصلاً این مدل را قبول نداریم، این مدل مدل رایج انتقال سیالات است.

۱۴.۳.۳: راه حل دوم: در شیوه‌های تند نقد زدن است، همان مدل قنات که سال‌های ایرانیان استفاده می‌کنند این مدل هم بد نیست ولی روش‌های بهتری نیز موجود می‌باشد.

۱۴.۳.۴: راه حل سوم عمیق شدن کanal در انتهایها است که این راه حل هم معقول نمی‌باشد یعنی در ابتدای کanal عمق ۸ متر است ولی در انتهای کanal عمق می‌شود ۱۰۸ متر.

۱۴.۳.۵: راه حل آرتزین، کاری که خواجه نصیر در حوضچه‌های کاشان انجام داده است، پیشنهاد لوله و کanal هم سطح زمین که به تدریج کanal به همراه زمین رو به سمت بالا هدایت می‌شود، منتهی در ابتدای کanal، کanal معکوس یا لوله‌های اسپیرال منبع آبی افقی قرار داده می‌شود، یعنی اگر طول کanal ۵۰ کیلومتر است و هر کیلومتر دو متر اختلاف سطح دارد در انتهای کanal ۱۰۰ متر اختلاف سطح داریم لذا در ابتدای کanal یا لوله-ی افقی داریم که ارتفاع آن مثلاً ۱۲۰ متر است در ابتدای کanal آب با پمپ در مخزن ریخته می‌شود و به

واسطه‌ی قانون جاذبه و هم‌سطح شدن آب با ابتدای آب، آب مجبور است که مسیر ۵۰ کیلومتر را طی نماید و خود را هم سطح مبدأ نماید، پیشنهاد ما این است که مبدأ آب ۱,۵ برابر مقصد باشد که آب در مقصد با فشار خارج شود یعنی اگر اختلاف سطح ۱۰۰ متر است ابتدای کanal ۱۰۰ متر بالاتر از زمین باشد و در انتهای نیز آب در پست و یا همان دریاچه‌ی مصنوعی رها می‌شود و با فشار آب خارج می‌شود و می‌توان برق نیز تولید نمود، جزئیات مربوط به چگونگی آب به داخل پست (حوضچه، دریاچه‌ی مصنوعی) بدیهی است اما اشاره‌ای می‌کنیم و آن اینکه اگر آب در هنگام رها شدن از کanal و یا لوله چند متر رو به پایین هدایت شود فشار آب بسیار زیاد می‌شود که در اینجا می‌تواند این‌گونه قلمداد شود که آب از بالا به پایین آمده است درحالی‌که واقعاً می‌توان آب را از پایین به بالا برده‌ایم

۶۴,۱: اشکال سست دیگری اینجا مطرح می‌کنند که خوب ما چگونه و با چه نیروی آب را در ابتدای کanal به درون منبع ابتدایی بریزیم، این سؤال تنها از کسی قبول است که نداند که امروز چاههای نفتی با عمق ۱۲ کیلومتر وجود دارد و در ایران چاههای نفتی با عمق بیش از ۵ هزار متر وجود دارد و از آن عمق نفت که بسیار سخت تر از آب است پمپاژ می‌شود، گذشته از اینکه امروز در کشور شاهد هستیم روسیان اقدام به حفر چاههای عمیق نموده حتی بعض‌اً از عمق ۵۰۰ متری زمین آب را بالا می‌شکند پس اگر ارزش دارد آب را از ۵۰۰ متری برای زمین اطراف پمپاژ نمود هزاران برابر ارزش دارد که آب را ۱۰۰ متر بالا ببریم و با استفاده از قانون‌های خدادادی آب را تا دهها بلکه صدها کیلومتر حرکت دهیم و بالا ببریم.

۶۴,۷: مسائل جزئی دیگری مانند تقویت سرعت آب در میانه‌ی هر کanal توسط پمپ تقویتی و یا افت سرعت بر اثر تماس آب با بدنه دیواری و ایجاد اصطکاک امور بدیهی است که جواب داده شده است.

۶۴,۸: ما فعلاً نیز به بحث استفاده از انرژی هسته‌ای و پمپهای خورشیدی نیز نمی‌پردازیم.

۶۴,۹: پس معلوم شد هم می‌توان آب را بالا برد و هم تأمین برق نمود.

اصلًا بدون تأمین انرژی هنگفت آیا امکان انتقال وجود دارد؟ ۱۵

اگر چه در بند ۱۴ به این سؤال پاسخ داده شده است ولی لازم میدانیم از منظر دیگری به این سؤال پاسخ داده شود:

۱۵,۱: ما اثبات نمودیم بدون انرژی هنگفت این امر امکان دارد با الگوی چاههای آرتزین و البته به بحث انرژی هسته‌ای و تلمبه‌های خورشیدی را نیز کاری نداریم.

۱۵,۲: تأکید می‌کنیم ما راهی جز این نداریم که به هر تقدیر شده مشکل آب را حل نماییم حتی اگر شده با هزینه‌ی هنگفت اگر شما الگو دارید ارائه دهید که البته تمامی راهکارها را نقد کرده‌ایم و اثبات نموده‌ایم اگر مشکل را حل نکنیم خطی بزرگ در راه است، لذا راهی نداریم جز اینکه سریعاً اقدام نماییم و باهر روشی که می‌توانیم قیمت‌ها را پایین و در غیر این صورت باز راهی نداریم جز اینکه هزینه نماییم.

۱۵,۳: یکی از انرژی‌های که با آب تولید می‌شود برق زیاد و ارزان می‌باشد، همان‌گونه که میدانید ۶۰٪ نیروگاه‌های برق آبی ما به علت نبود آب در حال تعطیلی و گاه تغییر کاربری است پس متوانیم آن نیروگاه‌ها را با آب انتقال داده شده احیا نماییم، گذشته از اینکه می‌توانیم نیروگاه‌های برق آبی جدید تأسیس کرده و از خود کanal‌ها به جای سد تولید برق نماییم.

۱۵,۵: باهر دلیل توجیهی که انتقال آب به یزد در حال اجرایی شدن است با همان دلیل باید آب را به بقیه جاهای رساند.

۱۵,۶: لذا اگر ابعاد وسیعی که خشکسالی به ما ضرر می‌زند را در نظر بگیریم مانند مشکلات فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، زیست‌محیطی، دینی و ... باید مشکل آب را به هر تقدیری حل نمود، بله شاید قبول نماییم هزینه بالا است ولی در مقابل هزینه‌ای که ما در قبال نبود آب می‌پردازیم ناچیز است، اگر ما مخیر باشیم بین خطی که جان میلیون‌ها ایرانی را تهدید می‌کند و یا صرف نمودن هزینه کدامیک را قبول می‌نماییم؟ مشکلاتی که ما از قبال خشکسالی می‌بینیم غیرقابل شمارش است.

مسلماً عامل محدود کننده اصلی، هزینه شیرین سازی آب است. هزینه این کار بین تا ۶ هزار تومان در هر مترمکعب متغیر است که باید به آن هزینه‌های انتقال را نیز افزود و بنابراین حداقل ۱۵ هزار تومان برای شیرین سازی و انتقال (فقط هزینه انرژی) منظور کرد. در صورتی که هدف از این کار رفع کمبود آب در کشور باشد، باید تقریباً ۴۰ میلیارد مترمکعب آب از این طریق در سال استحصال شود (جبان کسری تقریبی آب تجدید شونده کشور). این کار مستلزم هزینه تقریبی ۶۰۰ هزار میلیارد تومان در سال است. حال این مبلغ را با کل بودجه عمرانی سال ۱۳۹۷ (۶۰ هزار میلیارد تومان) مقایسه کنید. این بدان معنی است که دولت باید ۱۰ برابر کل بودجه عمرانی کشور در هر سال فقط به شیرین سازی و انتقال آب اختصاص دهد. **۱۶**

در اینجا چند مسئله باهم خلط گردیده است که لازم است مباحث را با دقت بیشتری نظر کنیم:

۱۶۱: لذا چند متن را در ابتدا قرار می‌دهیم:

- ✓ حمید چیت چیان: حدود ۵۰ تأسیسات آب‌شیرین‌کن در طول سواحل دریای عمان و خلیج‌فارس احداث شده تا شهرها و روستاهای این منطقه از آب شیرین بربوردار شوند و ما باید همه راههای استحصال آب را تجربه کنیم. ۱۳۹۵ فروردین ۱۲
- ✓ حمید چیت چیان از اجرای پروژه انتقال آب دریای خزر به استان سمنان خبر داد و گفت: تمهیدات لازم برای اجرای این پروژه فراهم شده و با تأیید نظر کارشناسان محیط‌زیست این طرح در آینده عملیاتی می‌شود. ۱۰ مرداد ۱۳۹۶
- ✓ حمید چیت چیان: در این مناطق مشکلات جدی برای تأمین آب وجود دارد اما با وجود دسترسی این مناطق به دریا می‌توان از طریق نمک‌زدایی و شیرین سازی آب بخشی از این مشکلات را برطرف کرد. شنبه ۲ خرداد ۱۳۹۴
- ✓ چیت‌چیان با اشاره به برنامه‌ریزی این وزارت‌خانه برای شیرین سازی آب جهت استفاده در ۵ استان واقع در محدوده سواحل جنوب کشور خاطرنشان کرد: در این طرح از بازیافت حرارت نیروگاه‌های برق، برای شیرین سازی آب استفاده خواهد شد. ۲ خرداد ۱۳۹۴
- ✓ پس از سخنان وزیر نیرو، نماینده این وزارت‌خانه گزارشی از برخی طرح‌های کلیدی در حوزه آب و برق را ارائه کرد که یکی از این طرح‌ها تولید همزمان برق و آب در سواحل جنوبی کشور بود و جزئیات فنی، اهداف طرح، اعتبارات مورد نیاز و الزامات اجرای آن مورد بحث بررسی قرار گرفت. ۲ خرداد ۱۳۹۴
- ✓ دکتر روحانی: انتقال آب از دریای خزر و همچنین خلیج‌فارس و دریای عمان به استان سمنان و فلاٹ مرکزی ایران از طرح‌های بلندمدت است که بررسی‌های لازم در این زمینه انجام شده و مطابق این بررسی‌ها، انتقال آب از دریای خزر به سمنان هیچ مشکلی ندارد و اصول زیست‌محیطی نیز در این خصوص رعایت شده است. این طرح‌ها توسط بخش خصوصی اجرایی می‌شود و افرادی نیز به عنوان سرمایه‌گذار اعلام آمادگی کرده‌اند. سه شنبه ۳۱ فروردین ۱۳۹۵
- ✓ مهندس میدانی: رئیس‌جمهور در سال ۱۳۹۳ حجت را قام کرد و گفت: انتقال حوزه به حوزه باهدف آب شرب می‌تواند صورت گیرد. البته باید به این مسئله توجه کرد که این حساسیت‌ها برای انتقال آب از دریا نیست و حساسیت بیشتر در زمینه انتقال آب از یک استان به استان دیگر است و همان‌طور که ما از کشورهای بالاتر انتظار داریم که برای تأمین نیازهای حیاتی ما کمک کنند، صحیح نیست که استانی برای انتقال آب به استانی دیگر ناراضی باشد. ایران ناگزیر به انتقال آب است اما باید در اجرای این مسئله به مسائل زیست‌محیطی توجه کند. ۲۶ مهر ۱۳۹۶

✓ دکتر اردکانیان : امیدواریم در سالهای آتی بتوانیم بخش اعظمی از مصارف شرب و صنعت خود را با رعایت استانداردهای زیست محیطی از آب های ژرف (دریا) تأمین کنیم ۹۶,۱۱,۱۰

✓ دکتر اردکانیان : در زمان حاضر کشورهای حاشیه خلیج فارس با رعایت استانداردهای زیست محیطی سالانه حدود ۱۲ میلیارد مترمکعب از آب های ژرف استفاده می کنند و ما نیز امیدواریم در سالهای آتی بتوانیم بخش اعظمی از مصارف شرب و صنعت خود را با رعایت استانداردهای زیست محیطی از این طریق تأمین کنیم ۹۶,۱۱,۱۰

✓ مهندس جهانگیری: انتقال آب از خلیج فارس و دریای عمان به استان کرمان باید تسریع شود.

✓ علی رضا رزم حسینی استاندار کرمان: اشاره به پیشرفت بیش از ۴۰ درصدی طرح انتقال آب از بندرعباس به سیرجان افزود: درباره انتقال آب از دریای عمان نیز قرار شده است این آب پس از شیرین شدن در منطقه زیارت، به سد منتقل و سپس به فلات مرکزی کرمان منتقل شود که از این طریق کریدور انتقال آب در کشور ایجاد می شود. رزم حسینی بیان کرد: کارگاه احداث بزرگترین تونل انتقال آب خاورمیانه به سرعت در آذرماه ۹۴ ایجاد شد و ریاست جمهوری نیز در سفر به کرمان به اهمیت توجه به موضوع آب در استان کرمان تاکید و اعلام کردند باید در این حوزه فکر اساسی شود.

۹۶,۰۱,۰۲

✓ دکتر کلانتری: کاهش منابع آبی و خالی شدن سفره های زیرزمینی یکی از مشکلات مهم کشور است و به اعتقاد کارشناسان، چالشی اساسی ایجاد کرده است که اگر فکری برای آن نشود، نتایج جبران ناپذیری به دنبال دارد. در اینکه دنیا از آب دریاها استفاده می کند، بحث نیست. آب را شیرین می کنند تا انتقال دهنده ممکن است یک کیلومتر مسیر ۵۰۰ کیلومتر مسیر آن باشد. آب دریا را شیرین می کنند که استفاده اقتصادی کنند. ما که نوبت آن را در ایران نیاورده ایم، تمام دنیا دارد آب دریا را شیرین و استفاده می کنند؛ ۸۰ درصد زندگی مردم جهان در حاشیه دریاها است. از آبادان تا چابهار ۱,۸ درصد جمعیت کشور زندگی می کنند، اگر بخواهیم جمعیت را در مکران در کنار ساحل هم حفظ کنیم باید آب داشته باشیم. اکنون کشورهای حاشیه خلیج فارس سالانه نزدیک به ۱۰ تا ۱۲ میلیارد مترمکعب آب را شیرین و استفاده می کنند، اما ما هنوز به ۴۰۰ میلیون مترمکعب هم نرسیده ایم.

۱۸۲: اگر به سخنان دولت نگاه کنیم تمامی اشکالات و شباهتی که دوستان دارند جواب داده می شود اگر انتقال آب نمی شود چرا گفتند و پیشنهاد دادند و عده دادند و کلنگ زدند؟

اگر انتقال آب هزینه هی سنگین دارد و مقرر و بصره نیست چرا گفتند و پیشنهاد دادند و عده دادند و کلنگ زدند؟

اگر انتقال آب مشکلات فنی دارد چرا گفتند و پیشنهاد دادند و عده دادند و کلنگ زدند؟

اگر انتقال آب مشکلات زیست محیطی و اکوسیستمی دارد چرا گفتند و پیشنهاد دادند و عده دادند و کلنگ زدند؟

اگر گفتند و پیشنهاد دادند و عده دادند و کلنگ زدند پس سوالهای مطرح شده چیست؟

اگر گفتند و پیشنهاد دادند و عده دادند و کلنگ زدند پس چرا عملی نکردند؟

اگر گفتند و پیشنهاد دادند و عده دادند و کلنگ زدند پس چرا با جدیت پیگیری نکردند؟

اگر به ما اشکال می کنید قبل از آن باید به مدیران بالادست خود اشکال می کردید که گفتند و کلنگ زدند

اگر آنجا اشکال نکردید اینجا نیز نباید اشکال کنید.

اگر از ما مطالبه جواب نمودید قبل از آن باید از مسئولین خود مطالبه جواب می نمودید که چرا تا کنون به بهره برداری نرسیده است.

و بدایم این اگرها تمامًا مسیری است برنده تر از شمشیر و باریکتر از مو که یا هم اکنون باید جواب شفاف داد و یا.

۱۸۳: طبق صحبت‌های آقای عیسی کشورهای کلانتری کشورهای حاشیه‌ی خلیج فارس ۱۰ میلیارد مترمکعب آب شیرین سازی می‌کنند، خوب چرا ما نتوانیم؟ که اتفاقاً ایشان و قامی افرادی که پیشنهاد داده‌اند این توقع را دارند، اگر برای عربها و بقیه‌ی انسان‌ها مقدور به صرفه است برای ما هم هست و اگر مقدور به صرفه نیست چرا مسئولین نظر دادند و کشورهای دیگر نیز عمل می‌کنند؟

۱۸۴: زمانی که ما آب را یک مسئله بدانیم این سؤال پیش می‌اید که بودجه‌ی عمرانی مثلاً ۶۰ هزار میلیارد تومان است و ... در حالی که نگاه ما به آب بسیار کلان تر می‌باشد، نگاه ما این است که آب یک مسئله نیست، آب تمام مسائل است، اگر در اهمیت آب بحث کنیم که در اثر نبود آن همه چیز به مشکل بر می‌خورد و ما مجبوریم صدها بلکه هزاران هزینه خرج کنیم تا کمی و کاستی آب را جبران نماییم و در صورت وجود آب بسیاری از هزینه‌ها تعطیل می‌شود، دیگر جای این نخواهد بود که بحث کنیم این کار هزینه دارد یا خیر؟ ارزش آب بالاتر از نفت و طلا و املاس است و این حقیقتی است که تا درک نشود ما مجبور هستیم بحث نماییم تا به نتیجه برسیم، باید محاسبه کنیم و ببینیم که در این وضعیت در اثر نبود آب چقدر زیان می‌بینیم تا بعد به آن برسیم که آیا حتی اگر قیمت تمام‌شده هر مترمکعب ۶ هزار تومان باشد ارزش دارد یا خیر؟ شما ببینید برای مشکلات ریز گردها و بیماری‌های ناشی از نبود آب و از دست رفتن خاک (فرونشست زمین)، تعطیلی کارخانه‌ها و کشاورزی واردات و آلودگی هوا تعطیلی و هجوم مردم از روستا به شهر و مشکلات عدیده‌ی شهری ... چه زیانی می‌کنیم آن وقت به قطع و یقین حکم می‌کنیم که باید انتقال آب را انجام داد حتی اگر هزینه شیرین سازی زیاد هم باشد.

۱۸۵: از طرفی ما که در قم زندگی می‌کنیم برای خرید آب باید گالن در دست بگیریم و یا کارتی آب را تهیه کنیم و یا از مغازه آب شرب بخریم که هر گالن ۲۰ لیتری هزار تومان است یعنی یک مترمکعب آب برای ما ۵۰ هزار تومان قام می‌شود، آن وقت همین آب شیرین در لوله به مردم تهران تحويل می‌شود مترمکعب فرضاً ۵۰۰ تومان سؤال این است چرا باید ما برای آب ۱۰۰ برابر پول ببیشتری بپردازیم؟ یا اینکه سؤال دیگر اینکه چرا برای بعضی از شهرها فرصتی فراهم کرده‌اید و یارانه پرداخت نموده‌اید تا با آبی که مردم سایر شهرها برای نوشیدن هم به دست نمی‌اورند مردم تهران به استحمام بروند و یا با آن ماشین بشویند و ... این روال در هیچ کشوری نیست حتی آمریکا و روسیه که بیشترین آب‌های شیرین دنیا را در دست دارند، آب را برای همه یکسان‌سازی کنید، خود مردم تهران و شهرهای دیگر هم با این بی‌تدبیری به مشکل بر می‌خورند، آب را با حداقل تصفیه در شبکه‌ی آب وارد نمایید و مردم خود برای شیرین سازی اقدام نمایند مانند سایر مناطق کشور، البته به زودی شاهد خواهیم بود که این بی‌عدالتی و بی‌تدبیری تمامی آن شهرها را نیز به مشکل میکشاند فزدیک است زمانی که آب در کلان شهرها جیره‌بندی شود، شما که این اشکال را در اینجا می‌نمایید اول در اینجا اشکال کنید که چرا آب شرب را در شبکه‌ی آبرسانی وارد می‌کنید تا مردم مجبور باشند با آن آب به دست‌شویی رفته و استحمام نمایند و برای ساختن ساختمان از آن آب استفاده نمایند؟ آیا خون مردم با یکدیگر تفاوت دارد که حتماً باید برای فراهم شدن آب تهران آب را از صدها کلیومتر آنطرف تر به تهران انتقال داد و حتماً آن آب را با قرار دادن یارانه که سهم قامی ملت است شیرین نمایید و بعد به راحتی تنها ۱۱٪ این آب برای شرب استفاده شود و بقیه‌ی آن برای کارهایی استفاده شود که لازم به شیرین بودن آب نیست آن وقت در این شرایط مردم بسیاری در این کشور از نعمت آب سالم برای شرب هم محروم باشند؟ آیا این ظلم نیست؟ یا اینکه آب را شیرین نکنید و در لوله قرار ندهید تا خود مردم آب را شیرین کنند، یا اینکه برای همه یکسان‌سازی کنید و این موقعیت را برای همه به وجود آورید، یا اینکه بودجه‌ای که آنچا صرف کرده‌اید برای دیگران هم صرف کنید.

۱۸۶: نکته‌ی دیگر هزینه‌ای که بیان می‌شود این مقدار نیست دلیل آن این است که هزینه‌ی آب در مناطق دریایی اگر ۶ هزار تومان هم باشد چرا برای انتقال می‌فرمایید ۱۱ هزار تومان برای انتقال هزینه لازم است؟ مگر انتقال‌های دیگری که صورت می‌گیرد چقدر هزینه می‌برد که در انتقال دریا این قدر هزینه لازم است؟

۱۸.۷: نکته‌ی دیگری از آن غافل هستیم اینکه بعد از آب رسانی سودده‌ی فرامی‌رسد چرا که کشاورزی و صنعت و ساخت‌وساز با آب رونق می‌گیرد و آن چیزی که بنده برای آینده‌ی آب می‌بینیم صنعتی بزرگ و سودآور است که صدها برابر نفت سود خواهد داشت، چرا که ما می‌توانیم علاوه بر استفاده‌ی داخلی آب را صادر کنیم و از این راه سود به دست بیاوریم کما اینکه هم اکنون همان‌گونه که در کلمات آقای جهانگیری نیز بود دولت به فکر خرید آب از کشور افتاده که به علت مشکلات مالی و قیمت بالا کاری از پیش نرفته است و باید بدانیم در این زمان ما نیاز شدید به آب نداریم و الا در آینده‌ای نزدیک قیمت آب بسیار بالا شود تا جایی که با لیوان آبی بتوان انسانی را خرید و فروخت، خوب اگر ما سریعاً به سمت استفاده از آب دریا حرکت کنیم می‌توانیم نجات یابیم و نجات یابیم و البته سود اقتصادی ببریم مضافاً بر اینکه ملت نیز از این آب استفاده کافی و سود سرشار را می‌برند.

حتی در صورت لحاظ کردن هزینه احداث کانال‌ها و ابنيه، دولت باید در طی یک سال تمام درآمد کشور اعم از نفت و مالیات و ... را صرف این کار کند.
۱۹.۱:

این متن برای بندۀ نامفهوم است لذا ما احتمالات مختلفی را مورد بررسی قرار می‌دهیم:

۱۹.۲: اگر منظور این است که برای ساخت و اجرای پروژه پول نیست که در خود قطره‌ی ۷۳ اثبات نموده‌ایم که اگر تنها هزینه‌ی بنگاه‌های زودبازده را صرف کنند هزینه‌ی اجرای طرح کافی می‌باشد و از زمانی که طرح عملیاتی شود پول از دست رفته به واسطه‌ی رونق اشتغال در کشور بازگشت می‌کند بلکه بعد از آن است که حکومت به کارکرد اصلی خود می‌رسد، بله در شرایط فعلی که دولت %۹۰ درآمدها را صرف دولت می‌کند و ۱۰% تنها باقی می‌ماند وضعیت چنین است یعنی به هیچ عنوان دولت نتوانسته کار اقتصادی قابل قبولی را انجام دهد، ولی اگر آب بیاید حتی درآمد دولت افزوده شود بلکه تازه دولت به کارکرد اصلی خود بر می‌گردد و درآمد زا می‌شود و سهم مردم از زیرساخت‌های ایران نیز بیشتر گردد و مردم و ملت از فقر نجات یابند.

۱۹.۳: اگر منظور این است که طرح اجرایی است ولی بعد از آن برای بهره‌برداری دچار مشکل می‌شویم باز هم معقول نمی‌باشد، تنها کافیست هزینه‌ای را که دولت هر ساله صرف بنگاه‌های زودبازده می‌کند را اختصاص به آبرسانی دهد و هر سال همین زیرساخت اصلی کشور را کامل نماید.

۱۹.۴: بر این نکته تأکید می‌کنم در وضعیت کنونی دولت مجبور است در حوزه‌های مختلف هزینه کند که به هیچ عنوان هزینه‌های انجام‌شده معقول نمی‌باشد، به طور مثال دولت برای مبارزه با ریز گردها چه مقدار تا کنون هزینه نموده است؟ تنها برای مالت پاشی دولت باید دو هزار و ۴۰۰ میلیارد تومان هزینه پرداخت کند (خداکرم جلالی رئیس سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور تاریخ ۹۵،۱۰،۲۵) که باید بگوییم این هزینه یعنی سوزاندن پول هیچ فایده‌ای ندارد چرا که در گذشته مالت پاشیدید ولی وضعیت هم اکنون چگونه است اگر دوباره این اشتباه را تکرار کنید وضعیت آینده مانند هم اکنون است، آیا وضعیت خوزستان قابل قبول است، استاندار جهانی ۱۵۰ میکروگرم ذرات معلق بر مترمکعب است، ولی در آخرین اندازه‌گیری‌ها تا ۱۰۰۰۰ میکروگرم برآورد شده است، (به نقل از نماینده‌ی مردم خوزستان) آیا افزایش ۶۶ برابر آلاند در شهر قابل قبول است؟ آیا بیماری‌های تنفسی و ... که مردم به واسطه‌ی هوای آلوده می‌بینند قابل قبول است؟ بندۀ ادعا دارم تمامی مشکلات کشور به مشکل خشکسالی بر می‌گردد و اگر می‌خواهید باز هم این مطلب را اثبات می‌نمایم، لازمه‌ی این حرف این است که تمامی بودجه‌ای که هم اکنون در امور دیگر هزینه می‌شود هدر دادن هزینه است و باید اول مشکل خشکسالی را حل نمود، لذا با توجه به این بحث هیچ‌گاه نمی‌توانید بالا بودن هزینه را مطرح نمایید چرا که با حل نمودن مشکل خشکسالی مابقی هزینه‌ها که هم اکنون هدر دادن هزینه است حل می‌گردد و به جیب دولت و ملت بازمی‌گردد، لذا با این مبنای حتی اگر باید برای هر مترمکعب ۱۵ هزار تومان هم هزینه کرد و حتی اگر برگشت نداشته باشد یابد این هزینه را انجام دهیم و دلیل آن این است که با برطرف شدن این مشکل تمامی آن مشکلات حل می‌گردد.

۱۹.۵: ما چگونه امروز شیرین سازی آب دریا را امری سخت میدانیم و از آب یک غول بی‌شاخ و دم ساخته‌ایم در حالی که کشورهای دیگر حتی آمریکا نه تنها از آب دریا برای عبور از بحران خشکسالی رو به شیرین سازی

آب دریا آورده‌اند که حتی آمریکایی‌ها برای عبور از بحران آب، رو به تصفیه و شیرین سازی آب دستشوییها (توالت) آورده‌اند که برای اطلاعات بیشتر می‌توانید به بحث آب در ایالت کالیفرنیا بپردازیم که اسم طرح استفاده از آب توالت) می‌باشد.

۱۹.۱: سؤال دیگری که امروز باید از تمامی متخصصین حوزه‌ی آبی کشور پرسیده شود اینکه چرا در حوزه‌ی تخصصی خود تلاش نمی‌کنید و منتظر هستید تا یا از علم دیگران استفاده کنیم و یا اینکه جامعه به کام مرگ کشیده شود و آیندگان ما را محکوم کنند؟ چرا از این عرصه پیشی نمی‌گیرید؟ اگر تخصص شما در این زمان به فریاد ما نرسد پس این تخصص چه فایده‌ای دارد؟ اگر آیندگان تمامی مشکلاتی را شما مطرح نموده‌اید را حل کنند آیا جوابی برای تاریخ خواهیم داشت؟ درحالی‌که نیازی به قضایت آیندگان نیست همین الان دانشمندان معاصر غربی مشکلاتی را که شما مطرح می‌نمایید حل نموده‌اند، سؤال من از تمامی پژوهشگران حوزه‌ی آب این است ما در زمینه‌ی آب در قرن چند میلادی هستیم؟ درحالی‌که باید در این زمینه پیشتاب باشیم چرا که ما در گذشته پیشتاب بوده‌ایم.

روش‌های شیرین سازی

۱۹.۷.۱: آیا با انرژی خورشیدی نمی‌توان به برق تبدیل نمود و از آن برای شیرین سازی استفاده نمود؟ بله یکی از نعمت‌های مملکت ما این است که نزدیک خط استوا می‌باشد و می‌توان از انرژی بدون هزینه‌ی خورشید برای تولید برق و گرما و سپس برای شیرین سازی استفاده نمود. لازم است به این مطلب اشاره کنیم با شدت خشکسالی گرما و تبخیر نیز افزایش میابد که خود این گرما نعمتی است که ما باید زودتر از دیگران آن را کشف نماییم، آیا غیر از این است که تمامی ابرهای متراکمی را که در آسمان می‌بینیم توسط خورشید تبخیر شده است پس می‌توان از نعمت خورشید برای شیرین سازی و تولید برق می‌توان استفاده نمود، و می‌توان مزارع زیاد تولید برق خورشیدی را راه انداخت.

۱۹.۷.۲: آیا نمی‌توان از گاز طبیعی برای تولید برق استفاده نمود و از حرارت تولیدشده آب را هم شیرین سازی نمود و از برق ایجادشده دوباره برای شیرین نمودن آب استفاده نمود؟ چرا ما باید گاز رایگان به ترکیه صادر کنیم ولی از مردم مملکتمان برای گاز پول بگیریم از طرفی هنوز خوزستان گاز نداشته باشد؟

۱۹.۷.۳: آیا نمی‌توان دریاچه‌های آب شور را با آب دریا پر آب نمود و زمین و خورشید و باد به صورت طبیعتی که خدا در آنها قرار داده است اقدام به شیرین کردن آب نمایند؟ شما بررسی بفرمایید از زمانی که دریاچه‌های آب شور ما خشکیده است چقدر در بی‌آب شدن قنات‌ها و آب‌های زیرزمینی ما تأثیر داشته است.

۱۹.۷.۴: آیا نمی‌توان از آب شیرین‌کن‌های صنعتی برای شیرین سازی آب دریا استفاده نمود؟

۱۹.۷.۵: آیا نمی‌توان از علم نانو برای ساخت فیلترهای تصفیه‌ی آب استفاده نمود؟ مگر ایران رتبه‌ی چهارم علم نانو را ندارد، چرا از این علم در شیرین سازی استفاده نکنیم و فیلترهای جدید تصفیه‌ی آب درست ننماییم؟

۱۹.۷.۶: آیا نمی‌توان از اورانیوم 20% غنی‌شده برای شیرین سازی استفاده نمود؟ در اینجا برای روشن شدن اهمیت این موضوع باید یک بررسی انجام دهیم و آن مقایسه‌ای کوتاه بین ایران و رژیم غاصب صهیونیستی است.

ایران با مساحت $1,648,195$ کیلومترمربع (هفدهم کشور وسیع جهان) و اسرائیل با مساحت $20,700$ کیلومترمربع (یکصد و پنجاه‌مین کشور جهان) می‌باشد (ما فعلاً با این بحث کاری نداریم که اسرائیل اصلاً کشور نمی‌باشد و آن‌ها غاصباند) یعنی ایران 79 برابر اسرائیل زمین دارد و جمعیت ایران حدود 80 میلیون نفر و جمعیت اسرائیل $600,476,800$ نفر و این یعنی ایران $9,4$ برابر اسرائیل جمعیت دارد، حال نسبت سنجی میان مساحت و جمعیت اسرائیل می‌نماییم که در هر کیلومترمربع در اسرائیل 409 نفر زندگی می‌کنند، حال همین نسبت سنجی را در ایران انجام می‌دهیم جواب 48 نفر می‌باشد پس ایران در مقایسه با اسرائیل 79 برابر بزرگ‌تر می‌باشد و $9,4$ برابر اسرائیل جمعیت دارد ولی تراکم در اسرائیل 409 نفر در کیلومتر است ولی در ایران 48 نفر در کیلومترمربع است، یعنی اگر برای هر ایرانی $8,5$ متر زمین برای زندگی وجود داشته باشد در اسرائیل برای هر نفر یک متر زمین وجود دارد پس به همین تناسب باید وضعیت مسکن و صادرات و معیشت

۸,۵ برابر سخت‌تر باشد مخصوصاً اینکه بدانیم ذخایر منابع طبیعی ایران از قبیل معدن‌ات و خاک و نفت و گاز و ... بی‌بديل است ولی در فروشگاه‌های مواد غذایی اروپا، به دفعات زیاد می‌توان محصولاتی را دید که روی بسته‌بندی آن‌ها، کشور تولیدکننده را اسرائیل درج کرده است در حالی اسرائیل به اندازه یکی استان‌های کوچک ما می‌باشد تقریباً به اندازه‌ی استان زنجان می‌باشد. بیش از شصت درصد از مساحت سرزمین‌های اشغالی بیابانی و نیمه بیابانی است و با وجود اینکه حتی یک رودخانه بزرگ هم در این کشور وجود ندارد چطور با وجود این همه بیابان و خشکسالی مفترط در خاورمیانه، محصولات کشاورزی که همگی محصولاتی هستند که به آب فراوان نیاز دارند، تولید کرده و به سایر نقاط دنیا صادر می‌کنند؟ مسئله زمانی جالب‌تر و گیج‌کننده می‌شود که توجه کنیم این رژیم تا پنجاه سال پیش برای تضمین تأمین آب شرب خودش، سرزمین‌های جنوب لبنان و بلندی‌های جولان سوریه را اشغال کرد تا به سر شاخه‌های دو رودخانه فصلی تسلط کامل داشته باشد! اما امروزه با کمال تعجب شاهد آن هستیم که آن‌ها در صحراهای بی‌آب و علف ناقب در قلب سرزمین‌های اشغالی، در بر بیابان، واحدهای پرورش ماهی احداث کرده‌اند و طبق آمار شرکت‌های فعال در این زمینه، سود بسیاری هم از فروش محصولات شیلات خود برای مصرف داخلی و صادرات مزاد آن به سایر کشورهای دنیا کسب می‌کنند! ولی در عوض کشور ما به جای رسیده که حتی شتر و کنجاله و گندم و برنج و چای و پرتقال را از خارج تأمین می‌کند درحالی که باید بر عکس باشد همین جریان را در مقایسه‌ی ایران با سایر کشورها نیز می‌توان انجام داد مانند مقایسه‌ی ایران با هلند، جواب در آب و شیرین سازی آب است حقیقت این است ما مشکل آب را حل نکرده‌ایم و حتی در حال خشک کردن کشور خود هستیم ولی آنان مشکل آب را حل کردند، اسرائیل یکی از بزرگترین نیروگاه‌های هسته‌ای آب شیرین‌کن دنیا را در کنار دریای مدیترانه در منطقه‌ی سورک (Sorek) احداث کرده است که ظرفیت شیرین سازی ۶۲۴ هزار مترمکعب آب در روز را دارد که معادل با حدود ۲۳۰ میلیون مترمکعب در سال می‌باشد (طرح اولیه برای ۱۵۰ میلیون مترمکعب آب برنامه‌ریزی شده بود که در طرح نهایی به ۲۳۰ میلیون مترمکعب ارتقا پیدا کرد). تأسیسات آب شیرین‌کن سورک در ۱۵ کیلومتری جنوب تل‌آویو در اکتبر سال ۲۰۱۳ عملیاتی شد و روزانه توانایی املاح زدایی ۶۲۴ هزار متر مکعب آب دریا را داراست که بزرگترین نیروگاه املاح زدایی در کل دنیا محسوب می‌شود. ساخت این نیروگاه از ژانویه ۲۰۱۱ آغاز و با هزینه ۴۰۰ میلیون دلار به اتمام رسید. خوب سؤال این است آیا ما نمی‌توانیم آب شیرین‌کن هسته‌ای داشته باشیم؟ آیا باید باز هم بهانه بیاوریم؟ اگر اسرائیل غاصب می‌تواند ما هم می‌توانیم اگر او یکی دارد ما باید ده عدد داشته باشیم در مقایسه با جمعیت و یا باید ۷۹ عدد داشته باشیم در مقایسه با مساحت.

بنده به عنوان شاگرد مکتب اسلام ناب اعلام می‌کنم در اینجا هیچ بهانه‌ای مورد قبول نیست، کسی که باید جواب سوالهای مطرح شده‌ی شما را بدهد بنده‌ی طلبه نبودم و نیستم اما جواب تمامی مسائل شما را می‌دهم و راه بهانه‌ای باقی نمی‌گذارم و اعلام می‌دارم یا مشکل آب را از طریق دانشگاهی خود حل کنید که جای هیچ بهانه‌ای وجود ندارد و اگر می‌گویید سخت است و ... با طرق غیرعادی حل می‌کنیم و اگر هیچ‌کدام را قبول نمی‌کنید ما جواب آیندگان را نمی‌توانیم بدھیم و لعن و نفرین آنان را نیز نمی‌توانیم بشنویم، اگر دانشگاه‌های ایران با این همه طول و عرض نتواند مشکل آب ایران را سریعاً حل نماید پس چه فایده‌های دارد؟ اگر ایرانیان از عربستان و اسرائیل و آمریکا که سه ضلع دشمنی ما هستند در برآورده کردن نیاز آب مانده‌اند چگونه ادعای مبارزه و جنگ با آنان را داریم؟ ما اعلام می‌کنیم رشد علمی ۴,۴% داریم و جزء ۴ کشور اول دنیا هستیم و در آمار منتشرشده اسمی از عربستان و اسرائیل دیده نمی‌شود آن وقت چگونه است که در مبحث آب که یکی از زیربنایی‌ترین امور است از کشورهای بسیاری مانند عربستان و هابی و اسرائیل غاصب یهودی عقب‌افتدۀ باشیم تا جایی که آقای جهانگیری عنوان کنند که باید به فکر وارد آب باشیم؟ (آقای جهانگیری: ممکن است نیاز باشد تا آب شرب مورد نیاز کشور از بیرون از مرزها یا انتقال از طریق خلیج فارس و دریای خزر انجام شود؛ این در حالی است که در بسیاری از کشورها آب شرب مورد نیاز از طریق دریاها و آب شیرین‌کن‌ها تأمین می‌شود. ۱۴,۰۶,۱۳۹۶)

اینجا بر این نکته تاکید می‌کنم، نمودارهای خشکی و خشک‌سالی و پایین رفتن آب زمین و بالا رفتن گرمای هوا و تبخیر شدن آب و خشک شدن تالاب‌ها و رودخانه و دریاچه‌ها و ... را سال به سال مقایسه کنید و می‌باید که نمودار از این سال شیب بسیار کم‌تر است و هر سال از سال قبل بدتر می‌شود و خود شما هم میدانید که راه نجات‌بخش برای ایران ندارید، حال این سؤال را مطرح می‌کنم: شش سال آینده وضعیت آبی ایران چگونه است و در آن زمان برای حل بحران آب آیا راهی داریم یا خیر؟ اگر در آن زمان اسرائیل اعلام کند که: ای مردم ایران ما مشکل آب ایران را حل می‌کنیم به شرط اینکه ... چه اتفاقی خواهد افتاد؟ آیا با این وضعیت ما می‌توانیم غذای ایرانیان را تأمین کنیم؟ با چه پولی می‌توانیم واردات انجام دهیم؟ مردم ما از کجا پول بیاورند تا غذا تهیه کنند؟

فروپاشی شوروی

لازم است در اینجا به مسئله‌ی فروپاشی شوروی نیز اشاره‌ای داشته باشیم و ببینیم: چرا شوروی دچار فروپاشی گردید؟ دولت‌های کمونیستی اروپای شرقی قادر نبودند برای شهروندان خود استانداردی از سطح زندگی را فراهم آورند که با جهان غرب قابل مقایسه باشد. مسئله‌ای که اکثر محققان بر آن متفق‌القول هستند که عامل اصلی، نارضایتی‌های گستره‌ای اواخر دهه ۸۰ در آن کشورها بود. هنگامی که ساکنان شرق مجبور بودند تا ساعتها در صف غذا و محصولات مصرفی خود منتظر بمانند، دوره‌ای که مجبور بودند در آپارتمان‌های ترسناک و بی‌روح زندگی کنند، زمانی که در تلویزیون، آمریکایی‌ها و ساکنان اروپای غربی را می‌دیدند که سوار بر ماشین‌های گران‌قیمت با لباس‌هایی شکیل در حال گذران زندگی هستند، و این امور موجب نارضایتی‌های عمومی در ۱۹۸۹ را ایجاد نمود. واضح است که مردم از وضعیت اقتصادی حاکم بر کشور رضایت نداشتند. نارضایتی‌هایی که منجر به شورش‌هایی پراکنده شد. سیستم اقتصادی شوروی مبتنی بر دو رکن بیشتر نبود؛ یکی فروش نفت و دیگری اقتصاد کشاورزی و اقتصاد شوروی رکود پیدا نمود و در نهایت به فروپاشی آن انجامید. سؤالی دیگری که به صورت شفاف جواب داد نشده این است که چه شد که شوروی در اقتصاد و کشاورزی به آنجا رسید که مردم در نان خود دچار مشکل شدند آیا شوروی می‌توانست مشکل کشاورزی خود را حل نماید، بله می‌توانست و دلیل عمدی این مطلب این است که روسیه بعد از فروپاشی شوروی به صادرکننده‌ی اول محصولات غله تبدیل شد درحالی‌که در زمان شوروی سابق در سال ۱۹۹۱ مردم با کوپن نان تهیه می‌کردند، به عقیده‌ی بنده به صورت عادی این جریان در ایران در حال تکرار است تا ایران را با همان الگوی تجزیه و فروپاشی شواری این نقشه آبرسانی سریع است) لذا برای بنده که میدانم در صورت نبود آب چه اتفاقی برای ملت می‌افتد و از طرفی میدانم که چگونه می‌توان امور را سامان داد نمی‌توانم ساكت نشسته و برای اصلاح امور تلاش نکنم. بله اگر ژاپن، اسرائیل و ... راکتور آب‌شیرین‌کن هسته‌ای دارند چرا ما نداشته باشیم، آیا همین ژاپن نبود که در جنگ جهانی دوم همه‌ی زیرساخت‌های خود را از دست داد ولی با تمامی محدودیت‌ها امور خود را سامان داد؟

۷۶۹۱: آیا با روش‌های طبیعی مانند پرورش جلبک‌ها نمی‌توان اقدام به شیرین‌سازی آب نمود؟

۷۶۹۷،۷: آیا با روش‌های متعددی نمی‌توان جریان الکتریسیته را از آب شور رد نمود و باعث جداسازی املاح از آن شد مانند شوک الکتریکی؟

۷۶۷۸: اگر مشکل تنها در نحوه شیرین‌سازی است چرا اقدامات ساخت زیرساخت‌های انتقال آب را سریعاً دنبال نمی‌کنیم تا راه آسان و ارزان آن را هم در آینده‌ی نزدیک پیدا نماییم؟
بله از تمامی راه‌ها می‌شود و تمامی امکانات و شرایط را هم دارا هستیم.

۱۹ هزینه‌ی شیرین‌سازی که بحث شما در هزینه است:

۱۹،۱: اگر برای استرالیا، امریکا، انگلیس، چین، عربستان، اسپانیا، هند، امارات متحده عربی و حتی بحرین و بسیاری از کشورهای دیگر که آب دریا را شیرین می‌کنند مقرر به صرفه هست برای ما هم باید باشد، ۷۵۰۰ کارخانه شیرین‌کننده آب دریا در جهان وجود دارد که ۶۰ درصد این کارخانه‌ها در خاورمیانه هستند ۷۰ درصد

آب مصرفی عربستان از این کارخانه‌ها به دست می‌آید. عربستان کارخانه‌های بزرگ شیرین سازی آب دریا را دارد که روزانه ۵۸۰ میلیون لیتر آب قابل شرب از دریا استحصال می‌کند. ۷۰٪ آب مصرفی این کشور از این کارخانه‌های آب‌شیرین‌کن به دست می‌آید.

اگر کارشناسان و متخصصان امروز در ایران از توانایی پایین تری برخوردار هستند اعلام نمایند. چگونه است برای تمامی کشورها مفید و مقرر باشد و تنها برای ما که در خطر نابودی هستیم مشکل هزینه دارد:

باید نگاهی کوتاه به کشورهای اطراف داشته باشیم:

قزاقستان ۳۹ میلیون مترمکعب آب خزر را برای مصارف نیروگاه حرارتی، گردشگری، کشاورزی، شرب و صنایع سنگین با استفاده از ۴ واحد نمک‌زدایی شیرین می‌کند و در نظر دارد این حجم را تا ۱۴۰ میلیون مترمکعب افزایش دهد.

ترکمنستان و آذربایجان نیز که در حال حاضر به ترتیب حدود ۱۷ و ۴ میلیون مترمکعب آب را شیرین می‌کنند، در نظر دارند این حجم را به ۲۵ و ۷ میلیون مترمکعب افزایش دهند.

آیا ما از تمامی کشورهای همسایه پایین‌تر هستیم؟ حتی از بحرین و عربستان و ترکمنستان و آذربایجان و قرقیستان و ...

طبق برنامه‌ریزی‌ها، این ظرفیت تا پایان برنامه ششم باید به روزانه یک میلیون مترمکعب افزایش باید، اگر مقرر باشد که صرفه نبوده چرا برنامه‌ریزی کرده‌اند؟ اگر لازم و ضروری و مقرر باشد که صرفه نبوده چرا بهانه می‌اوریم؟ ۱۸۲: شما چرا هزینه‌ی شیرین سازی را این قدر بالا نام می‌برید؟ آقای فهمی قیمت تمام‌شده‌ی آب شیرین را پای تأسیسات ۳۵۰۰ تا ۴ هزار تومان برای هر مترمکعب می‌داند. خوب آنچه ما شاهد هستیم اینکه در کیش، قشم، هرمز، تنبه‌ای کوچک و بزرگ ... آب تأمینی را به وسیله‌ی آب‌شیرین‌کن از دریا تأمین می‌کنند، اگر در آنجا می‌شود چرا برای تمام کشور نشود؟

بنابراین لازم به توضیح بیشتر نیست که چنین طرح‌هایی قرار نیست مشکل آب کشور را در سطحی که جناب آقای بهرامی در نظر دارند رفع کند. در این حالت فقط باید انتظار داشت که بتوان آب شرب را نواحی بسیار حساس برآورده کرد و این کار نیز باید با توجه به مدیریت مصرف انجام شود.^۲

۱۹۰: اتفاقاً توضیح بیشتر لازم است؟ بفرمایید شما چه طرحی دارید؟ اگر طرح عظیمی با این حجم انتقال آب نتواند مشکل کشور را حل نماید، چه طرح جایگزینی می‌تواند کشور را نجات دهد؟ (دقیقاً ما برنامه‌ی شما را برای بحران آب می‌خواهیم بدانیم تا نظر دهیم و البته در قبل خودمان برنامه‌های شما را بیان نموده و نقد نموده‌ایم) و چرا در هنگام کلنگ زدن طرح‌های انتقال آب دریا به استان‌ها چنین اشکالاتی را مطرح ننمودید؟

۱۹۱: نکته دیگر که توجه نشده است: چگونه می‌توان با اصلاح الگوی مصرف در مناطق حساس آن مناطق را نجات داد؟ آیا ما می‌خواهیم مردم را بجایی برسانیم که فقط آب برای شرب داشته باشند؟ آیا مردم احتیاج به کشاورزی و صنعت و ساخت و ساز ندارند؟ آیا رسته‌های ما که از ۶۹٪ به ۶۹٪ رسیده به خاطر این بود که آب شرب نداشتند یا به خاطر این بود که آب برای رونق اشتغال نداشتند؟ اگر شما برای منطقه‌ای از کشور تنها آب شرب داشته باشید می‌توانید در آنجا زندگی کنید؟ آیا برای استحمام آب نیاز ندارید؟ این تفکر تمامی مناطق را دچار مشکل می‌کند چرا که مردمی که آب برای کار نداشته باشند محل سکونت خود را رها می‌کنند که به محل‌هایی می‌ایند که آب کافی وجود دارد و آنجا نیز به علت هجوم و ازدحام به مشکل بر می‌خورد و در نتیجه همه جا به مشکل بر می‌خورد.

۱۹۲: بررسی این نکته ضروری است که مدیریت مصرف و فرهنگ‌سازی و ... اگر چه واقعاً لازم است و باید انجام شود ولی نه عملی شده و نه عملی می‌شود و تنها شانه خالی کردن از تکلیفی است که به گردن داریم،

بله شما آب مورد نیاز مردم را تأمین کنید تا برای صنعت و کشاورزی و ساخت‌وساز آب داشته باشند بعد به فکر مدیریت مصرف باشید و الا همه‌ی مردم وقتی به ناچاری رسیدند خودشان بهترین مدیریت را انجام می‌دهند و در اینجا مدیر و مسئولی لازم نیست که باید و بگوید شما مثلاً یک لیتر آب دارید لذا برای زنده ماندن خود این یک لیتر را هدر ندهید تا زنده بمانید، مدیریت مصرف را مدیران ما باید از مردم فقیر و تهی‌دست یاد بگیرند و احتیاجی نیست که به این مردم مدیریت الگوی مصرف را یاد بدھیم، امروز یکی از خشک‌ترین نقاط کشور تهران است و یکی از پرمصرف‌ترین نقاط کشور نیز تهران است که این شهر به گونه‌ای اداره می‌شود که انسان فکر می‌کند اصلاً خبری از خشک‌سالی وجود ندارد و بارش‌ها در حد نرمال و مطلوب است، اگر می‌خواهید واقعاً مدیریت الگوی مصرف کنید، بجای اینکه آب را صرف چمن‌ها و سبزه‌زارهای و فواره‌های تهران کنید تا مردم شاد زندگی کنند فکر کنید، آب این چمن‌ها و سبزه‌زارها از کجا تأمین شده است و در قبال این سبزی چه درختانی که خشک شدند و آب آن درختان به غصب به تهران انتقال پیدا نمود، لذا بجای شانه خالی کردن در رشتہ‌ی تخصصی خود به داد این مردم برسید.

۲۰: یکی از منابع آبی تهران سد قزوین است، خود قزوین که از مناطق حاصلخیز ایران بوده در خشک‌سالی قرار دارد آن وقت شما آب را به تهران می‌اورید، آیا در حق مردم قزوین ظلم نمی‌کنید؟ آیا نفرین قزوین تهران را گرفتار نمی‌کند؟ چرا تهران خشک را اصرار دارید شهری زیبا و آباد نشان دهید درحالی که این‌گونه نیست، اگر شما اصرار بر اصلاح الگوی مصرف و مدیریت و فرهنگ‌سازی در مناطق خشک و تأمین آب شرب دارید خوب این کار را در تهران انجام دهید، در این صورت مردم تهران فقط باید آب شرب داشته باشند و این چیزی است که برای دیگران خواسته بودید، شما آب قزوین را به تهران آورید و قزوین را دچار خشک‌سالی نمودید و از طرفی مردم شاد روستا که روستای خود را ویرانه دیدند با ذلت به شهر آمدند و شما عملاً با توسعه‌ی تهران هم تهران و تمام کشور را از توسعه بازداشتید، اگر چه من قصد ندارم در این جواییه با لسان دین سخن‌گوییم و تمرکز بر این دارم که با علوم شما جواب را گوییم ولی کوتاه اشاره‌ای می‌کنم که حجت تمام باشد، بردن آب مردم دیگر بجای دیگر در صورت نیاز آن مردم و ناراضی بودن غصب است و غصب حرام، درختان و باغداران نفرین کرده‌اند و نفرین در حال نزول است پس سریعاً امور را اصلاح نمایید، آب چمن‌های تهران از اشک چشمان فقرا و باغدارانی است که از گلوی ناتوان خود صدایی بیرون نمی‌اید و این سکوت را خدا می‌شنود.

۲۰,۵: منظور شما از نواحی حساس کجاست؟

آیا تمامی نیمه‌ی شرقی کشور حساس است؟

آیا مناطقی که هزار سال آباد بوده‌اند و هم اکنون در حال خشک شدن هستند حساس هستند؟

آیا مناطق پر جمعیت حساس است؟

آیا هر منطقه‌ای که دچار خشک‌سالی شده است حساس است؟

آیا هر منطقه‌ای که آب شرب ندارد حساس است؟

آیا هر منطقه‌ای که دچار خشک‌سالی کشاورزی شده است حساس است؟

آیا هر منطقه‌ای که آمادگی توسعه دارد ولی به دلیل خشک‌سالی شهر مرده شده است حساس است؟

آیا هر منطقه‌ای که به علت نبود شغل در حال خالی شدن از سکنه است حساس است؟

آیا هر دشتی که به علت نبود آب در حال فرو رفتن زمین است حساس است؟

اگر قرار هست هر منطقه‌ای که در خشک‌سالی است تنها آب شرب آن منطقه را تأمین کنید و با مدیریت الگوی مصرف آنجا را نجات دهید پس در ابتدا باید تمامی شهرهای کلان را به جایی برسانید که تنها آب شرب مصرف کنند چرا که تمامی شهرهای کلان در خشک‌سالی هستند، پس بسم الله از تهران شروع کنید آب تهران را قطع کنید و آب را از شهرهای دیگر به آنجا نیاورید و آب را در تهران جیره‌بندی کنید و تنها به اندازه‌ی آب شرب در اختیار مردم قرار دهید، چه لزومی دارد آب تهران از دماوند و قزوین و کرج تأمین شود و مردم تهران در رفاه کامل همه امکانات داشته باشند و مردم شهرهای دیگر در خشک‌سالی خشک شوند؟

۳- در متن پیشنهادیه ذکر شده است که یکی از تفاوت‌های این طرح با سایر طرح‌های در دست مطالعه آن است که قادر به آبرسانی به تمامی شهرها و روستاهاست، (مثلاً ذکر شده طرحی که در مجلس در دست بررسی است، تنها آبرسانی به شهرها را مدنظر دارد). آیا قرار است تمامی سطح کشور پر از لوله و کanal شود؟^{۲۱}

۲۱: تفاوت‌های بسیاری طرح ما با طرح مشابه مجلس دارد و تفاوت مانند تفاوت آب با سراب است، یکی از تفاوت‌ها تفاوت در سرعت و حیطه‌ی عملی آن است و ارائه‌ی الگوهای مدیریتی است.

۲۱.۲: بله ما مأموریم عدالت اجتماعی را در تمام شئون رواج دهیم، قرار است تمامی کشور امکانات به صورت عادلانه تقسیم شود، معنایی ندارد که خوزستان آب قم را تأمین کند ولی نخلها و باغهای آنجا از تشکیگی بسوزد و در عوض در قم پارک احداث شود، قرار نیست تهران از گاز خوزستان استفاده کند ولی خود خوزستان گاز کشی نشده باشد، قرار نیست برای آبادانی تهران نفت را تا ۱۵ کیلومتری تهران بیاوریم ولی آب شرب خوزستان و خرمشهر و ... تأمین نشده باشد. اگر برای آبادانی همه را جا را جاده کشی می‌کنیم، راه آهن می‌کشیم، برق و تلفن و گاز می‌کشیم کاملاً غیر عاقلانه است آبرسانی نشده باشد تا هم اکنون هم اقدامات محکوم است که ما جاده و برق و ... کشیدیم ولی به علت نبود آب همه جا را خالی از سکنه کردیم، لذا شما باهر راهی که می‌توانید آب را برسانید اگر راهی جز لوله و کanal نداریم بله همه جا را باید لوله‌کشی و کanal‌کشی کنیم.

این کار را شاید بتوان در یک مزرعه یا دشت انجام داد، ولی برای کل کشور این کار ابداً ممکن نیست. حتی در مورد جاده‌ها نیز امکان عبور از هر نقطه‌ای وجود ندارد. کanal آب یا لوله که قرار است روی زمین یا زیر آن احداث شود، سیم یا دکل برق نیست که بتوان در هر نقطه احداث کرد و از روی تمام اراضی عبور داد.^{۲۲}

۲۲: چگونه یک متخصص می‌تواند چنین حرفی بزند درحالی که فونه‌ی لوله‌ای آن برای نفت و گاز سال‌هاست درون کشور در حال اجراست، بله ما نمی‌خواهیم آب را تا بالای قله‌ی دماوند ببریم ولی باید آب را تا تمامی روستاهای زمین‌ها برسانیم. اگر توانستیم بقیه‌ی امکانات را برسانیم آب را هم می‌توانیم، ما ایرانیان زمانی که نه از دانشگاه و تجهیزات صنعتی گند و کاو خبری بوده از سه هزار سال پیش دارای طولانی‌ترین قنات‌ها بوده‌ایم حال چه شده برای اجرای کanal با این همه امکانات این‌گونه سخن می‌گوییم؟ آیا مردمی که کلاه نمدی به سر داشته و بیل و کلنگ در دست داشته‌اند و صدها کیلومتر قنات کنده‌اند به ما که لودر و بولدوزر و ... داریم نمی‌خندند؟ ما قنات‌هایی داریم که حتی از دوره ساسانیان تا کنون کاربرد داشته و باعث افتخار ما شده است ما برای آیندگان خود چه اثر بالارزشی را قرارداده‌ایم که بتوانیم به آن مباهات نماییم؟

۴ نویسنده هیچ گونه جزئیاتی در مورد روش، مکان و حجم شیرین سازی آب ارائه نداده است که ضروری است ارائه گردد.^{۲۳}

۱.۱: آن چیزی که مهم است اراده‌ی جدی برای عملی نمودن کار است و ما تنها قبل از شروع کار می‌توانیم موتور محرکی باشیم برای ضرورت و اجرایی نمودن کار و به هیچ عنوان نمی‌توانیم تمامی جزئیات را ذکر نماییم، جزئیات بعد از شروع کار حل و فصل می‌شود.

۲.۲: روش کار برای به نتیجه رسیدن مسئله این‌گونه است که در ابتدا بعد از اینکه تصمیم گیران کلان کشور به این نتیجه رسیدند که به هر صورت که شده باید برای حفظ تمامی دستاوردهای حال و گذشته و رسیدن به قله‌های پیش رو آبرسانی انجام گردد و باید تمامی شئون مملکت اولویت اول را صرف آبرسانی کنند، و تمامی پروژه‌های غیر ضروری را متوقف کنند و کلنگ پروژه‌ی جدیدی را نزنند، هیئت اولیه مشخص می‌شوند و تمامی قدرت و توان صرف برنامه‌ریزی برای انجام این پروژه می‌گردد، تمامی مقدمات در ستاد مرکزی تصمیم‌گیری آماده می‌گردد و هماهنگی‌های لازم انجام می‌گردد، بعد از آن دوازده تیم مهندسی برای دوازده خط انتقال آب تعیین می‌گردد و این دوازده تیم هر کدام مأموریت پیدا می‌کنند ۳۰ تیم را برای هر شعبه انتخاب نمایند که هر تیم شامل ۶۰ مهندس می‌باشد، پس در این صورت تعداد ۳۶۰ تیم به همراه رابطها با گروه اولیه برنامه‌ریزی تکمیل می‌گردد و هر تیم کوچک نظرات خود را برای اجرایی نمودن پروژه به صورت مرتب و

دائمی به تصمیم گیران بالادست ارائه می‌دهند تصمیمات بالادست نیز نظر نهایی را بعد از بررسی به تیم‌های پایین‌دست ارائه می‌دهند در حقیقت یک مهندسی هرمی می‌باشد که از بالا دستور می‌اید و از پایین پیشنهاد، مهندسان بالادست پیشنهادها را بررسی می‌نمایند و مشکلاتی که از پایین‌دست می‌رسد را حل می‌نمایند و مهندسان پایین‌دست دستورات بالادست را اجرایی می‌کنند و پیشنهاد می‌دهند به این صورت ما سریعاً می‌توانیم نقشه‌ی عملیاتی اجرایی پروژه و مشکلات را در بیاوریم که این کار به سرعت هم انجام می‌گیرد نهایتاً بعد از گذشتن یک ماه از ایجاد اولیه‌ی هسته‌ها آنچه باید ۱۰۰٪ بر روی خاک و زمین انجام گردد در آورده شده و کار را شروع می‌کنیم در اینجا عوامل اجرایی شروع به کار، از ۳۶۰ نقطه کار را شروع می‌کنند و در حین انجام کار ادامه‌ی نقشه‌ی اجرایی تکمیل می‌گردند که ما به این صورت هم در حال تعیین عملیات اجرایی و نقشه‌برداری هستیم و هم در حال انجام کار می‌باشیم، ما در انجام چنین پروژه‌هایی به هیچ عنوان نمی‌توانیم در ابتدا تمامی جزئیات را مشخص نماییم و بعد شروع به کار نماییم چرا که اولاً: برای ما زمان عنصر بسیار اساسی است و تا کنون نیز بسیار دیر شده است، ثانیاً: کلیات ابتدا و انتهای کار و بایدها و نبایدها معلوم است و جای تعلل نیست. ثالثاً: لزومی ندارد ما نقشه را به صورت کامل داشته باشیم و بعد شروع به کار نماییم، رابعاً: این پروژه آن قدر جزئیات دارد که تنها با یک جهاد به تمام معنی می‌توانیم کار را انجام دهیم، ما اگر ۳۶۰ تیم ۶۰ نفره را مأمور نماییم تا یک ماه مطالعات را انجام دهند به این معنی است که پنج میلیون و دویست و دوازده هزار و هشت صد ساعت کار مهندسی قبل از انجام پروژه انجام گردیده است و در طول زمان انجام پروژه نیز در هر ماه همین مقدار کار مهندسی در حال انجام است و مطمئناً این مقدار کار مهندسی برای این پروژه کافی می‌باشد و چه بسا زیاد هم می‌باشد؛ به عبارت دیگر ما برای هر ۵۰ کیلومتر که در حقیقت یک پروژه است ۶۰ مهندس داریم که این مهندسان کار را از یک ماه قبل شروع کرده‌اند و مطالعات را انجام می‌دهند و بعد از مطالعات گروه اجرایی اجرا می‌کنند و این روند مطالعه و اجرا تا اتمام پروژه ادامه دارد.

۲۳: در مورد مکان نیز مطلب روشن است پروژه‌های کلنگ زنی شده را باید سریعاً تکمیل کرد و هیچ پروژه‌ی دیگری را شروع نکرد مگر اینکه در جهت تکمیل پروژه‌ی آب‌رسانی باشد، مثلًاً احتیاجی نیست ما در این شرایط پروژه‌ی تولید فولاد در کرمان را تصویب کنیم، بلکه سریعاً باید پروژه‌ی آب کرمان را تکمیل کنیم و اگر می‌خواهیم پروژه‌ی جدیدی را اجرایی کنیم تنها باید در جهت آب باشد مثلًاً باید پروژه‌های جدید شیرین سازی آب را شروع نماییم.

۲۴: در مورد حجم شیرین سازی آنچه بدیهی است هر چه بتوانیم حجم بیشتری انجام دهیم بهتر است و به مرور زمان باید مجهز تر شویم لذا در ابتدا تمام ظرفیت را به این مسئله معطوف می‌داریم و در آینده ظرفیتها را بیشتر می‌کنیم.

همچنین بزرگ‌ترین دستگاه آب‌شیرین‌کن دنیا در ریاض عربستان حداقل ظرفیتی حدود ۷۳۰ هزار مترمکعب در روز دارد. لذا بنظر می‌رسد در این طرح قرار است ارقام بسیار بزرگ‌تر در حد چند میلیارد مترمکعب در سال شیرین سازی آب صورت گیرد. ۲۴

۲۴.۱ مقایسه ایران و عربستان

موارد	ایران	عربستان	نتیجه
جمعیت	۸۰ میلیون نفر	۳۱ میلیون و پانصد هزار نفر	ایران ۲,۵ برابر عربستان جمعیت دارد
بیکار	۳,۳۶۶,۹۷۳ نفر یعنی ۱۲,۶٪ از افرادی که می‌توانند شاغل	نرخ بیکاری در عربستان ۰,۶ می‌باشد	یعنی ایران ۲,۲۵ بیشتر از عربستان بیکار دارد

باشدند			
نرخ رشد علمی	سهم جهانی در سال دو هزار و شانزده، ۱,۸ می‌باشد	سهم جهانی در سال دو هزار و شانزده، ۰,۴ می‌باشد	یعنی ایران ۴,۵ برابر رشد علمی دارد ولی با مقایسه جمعیت و تناسب سنجی ایران تقریباً دو برابر رشد علمی بیشتر دارد
برابری پول	۴۷,۰۰۰ ریال معادل ۱ دلار ریال عربستان	۱۲,۷۳۰ ریال معادل ۱ ریال عربستان	یعنی با ۳,۶ ریال عربستان می‌توان یک دلار خرید ولی با پول ایران باید ۴۷,۰۰۰ ریال بخریم بپردازیم تا یک دلار بخریم
صادرات نفت ولی متغیر می‌باشد	۳,۹۵۰,۰۰۰ در روز	۷,۰۰۰,۰۰ بشکه در روز	یعنی عربستان ۱,۸ برابر ایران تولید نفت دارد
درآمد نفتی بدون هزینه‌ی تمام شده که تقریباً هزینه‌ی تمام شده‌ی هر بشکه نفت ۱۰ دلار می‌باشد	بر اساس بشکه‌ای ۵۷ دلار در روز یعنی ۱۹۹,۰۰۰,۰۰۰ دلار یعنی به ازای هر ایرانی ۲,۴ دلار در روز یعنی ۱۳,۲۰۰ تومان در روز یعنی ماهانه به ازای هر ایرانی ۳۹۶ هزار تومان	بر اساس بشکه‌ای ۵۷ دلار در روز یعنی ۲,۰۰۹,۲۵۰,۰۰۰ تومان یعنی ۴۲۷,۵۰۰,۰۰۰ دلار یعنی به ازای هر عربستانی ۱۳,۷ دلار یعنی ۶۴۸۰۰ تومان در روز یعنی ماهانه به ازای هر هر عربستانی ۱,۹۴۶,۰۰۰ هزار تومان	یعنی بر اساس الگوی جمعیت ایران آلان باید ۱۸ میلیون و هفت صد و پنجاه هزار بشکه صادرات داشته باشد یا اینکه عربستان باید یک میلیون و هشت صد و پنجاه میلیون بشکه تولید داشته باشد طبق مقایسه عربستان ۴,۵ برابر تولید عربستان را بیشتر دارد و اگر عربستان را معیار بگیریم ایران ۴,۷ کمتر تولید دارد
تبديل آب دریا	در مناطق ساحلی جنوب و شمال کشور ۵۵ واحد تأسیسات نمکزدایی با مجموع ظرفیت ۱۲۸,۷ هزار مترمکعب در روز در حال کار بوده است، نخستین تأسیسات نمکزدایی آب کشور، در سال ۱۳۴۰ فراهم آمده است	۷۳۰ هزار مترمکعب در روز ، به عقیده‌ی بنده یکی از علل پشت پرده‌ی حمله‌ی عربستان به یمن دستیابی به آب‌های آزاد بیشتر می‌باشد تا هزینه‌ی تمام شده‌ی شیرین سازی را پایین آورد	یعنی اگر مقیاس را عربستان بگیریم عربستان ۵,۶ برابر ایران شیرین سازی دارد و در حالی در مقایسه ایران با عربستان ایران باید یک میلیون و هشت صد و بیست و پنج هزار لیتر در روز شیرین سازی داشته باشد یعنی اگر هم اکنون ما ظرفیت را ۱۴ برابر کنیم تازه با عربستان برابر می‌شویم، همین جا لازم است مقایسه نسبتی با نفت را هم به میان بکشیم که کسی نگوید نفت

بیشتر می‌فروشند و آب بیشتری شیرین می‌کنند.			
یعنی عربستان ۱,۳ از ایران بزرگ‌تر است	۲,۱۴۹,۶۹۰ کیلومترمربع	۱,۶۴۸,۱۹۵ کیلومترمربع	مساحت
یعنی تراکم در ایران ۳,۲ بیشتر از عربستان است یعنی اگر به ازای هر عربستانی ۳,۲ متر زمین وجود داشته باشد برای هر ایرانی ۱ متر زمین وجود دارد	۱۴,۴ نفر در هر کیلومترمربع در عربستان	۴۸ نفر در هر کیلومترمربع در ایران	تراکم

نتیجه

۲۴.۱: چه عاملی باعث شده که ما از عربستان وهابی عقب‌افتاده باشیم؟ آیا آنان تمدن قوی‌تری دارند؟ آیا آنان علم بیشتری دارند؟ آیا در میان آنان دانشمندان نامی مانند بوعلی و شیخ مفید و خواجه نصیر و شیخ بهای وجود دارد؟ آیا آنان مکتب قوی تری دارند؟ آیا رشد علمی آنان بالاتر است؟ آیا آنان تکنولوژی هسته‌ای را بومی کرده‌اند ولی ما خیر؟ آیا آنان دارای تکنولوژی پرتاب ماهواره در فضا هستند ولی ما خیر؟ آیا آنان در نانو پیشرفت علمی دارند ولی ما خیر؟ چرا آنان بزرگ‌ترین تجهیزات شیرین سازی آب دریا را داشته باشند ولی ما خیر؟

۲۴.۲: اگر آنان ۷۳۰ هزار مکعب در روز شیرین سازی دارند چرا ما دو میلیون مترمکعب در روز شیرین سازی نداشته باشیم؟

۲۴.۳: بله ما می‌توانیم و باید در سال به رقم میلیارد مترمکعب برسیم، در نفت از عربستان عقب‌افتاده‌ایم آیا باید در آب هم عقب بیفتیم؟ در حالی‌که ما در بخش آب اولین‌های بشریت هستیم که تنها کافی است نگاهی به قنات‌های خشکیده‌ی خود بیندازیم.

۲۵.۱: عربستانی که از ابتدا بیابان بود برای آباد کردن خود این مقدار آب شیرین می‌کند، کشور که ما از ابتدا آباد بود و در حال بیابانی شدن است با بهانه شانه خالی می‌کنیم، در حالی طبق تاریخ و امکانات مکتبی که داریم و دانشمندان می‌توانیم و حتماً و باید سریعاً مشکل را حل نماییم و به جایگاه اصلی خود برسیم. ضمناً چنین حجم عظیم شیرین سازی در خشکی اگر انجام شود با توجه به حجم عظیم پساب تولیدی، خود معضل زیست‌محیطی بزرگی را موجب خواهد شد که می‌بایست در طرح نحوه رفع این مشکل توضیح داده شود.

۲۵.۲: پس آب تولیدی را تمامی دنیا چه می‌کنند ما هم همان کار را انجام می‌دهیم ولی هیچ‌گاه به این بهانه نمی‌توان اصل کار را رها نمود، عربستان پس آب را چه می‌کند، آمریکا و اسرائیل پس آب را چه می‌کنند و ... طرح‌های انتقال آب خلیج فارس و دریای عمان و خزر برای پس آب چه فکری کرده‌اند در این طرح هم همان انجام می‌گیرد، آب شیرین کن قشم و بندرعباس و کیش و ... با پس آب چه می‌کنند ما هم همان کار را انجام می‌دهیم

با توجه به مطالب بالا بنظر می‌رسد اینگونه موارد نیازمند مطالعات کامل فنی از لحاظ برآوردهای اقتصادی،
نقاط مصرف و اولویت‌بندی صحیح است.

۲۶.۱: اگر نکته‌ی مبهمی وجود دارد و یا سؤال دارید و یا جواب داده شده کامل نبوده بفرمایید تا جواب دهیم و الا به نظر نمی‌رسد بعد از مطالعات چیز قابل توجهی به دست آید، مسئله‌ی مهم در طرح هدف و ضرورت و بودجه و نحوه اجراست که تماماً معلوم است مگر اینکه کسی نخواهد کار را انجام دهد که در آن صورت هیچ کاری نمی‌توان انجام داد و الا اگر کسی ضرورت را بداند و تصمیم بر اجرایی نمودن پروژه داشته باشد در

هفته‌ی اول تمامی مشکلات مرتفع می‌شود چرا که ۶۰ نفر سرتیم اصلی وجود دارد و ۶۰ رابط وجود دارد و دوازده تیم برای هر خط آبی وجود دارد و ۳۶۰ تیم مهندس اجرایی وجود دارد که هر تیم ۶۰ مهندس دارد، در عین حال در ماه اول شروع به کار ۵,۲۱۲,۸۰۰ ساعت کار مهندسی تخصصی انجام شده و این تازه برای شروع پروژه است و در هر ماه همین مقدار کار مهندسی نیز انجام می‌گیرد، شما خود متخصص هستید بفرمایید آیا این مقدار کار مهندسی برای انجام این پروژه کم است که اگر در مجموع حساب کنیم می‌شود ۶۷,۷۶۶,۴۰۰ ساعت کار مهندسی، سؤال می‌کنم شما الگویی بهتر را سراغ دارید؟

به علاوه این طرح‌ها برای مقاصد موضعی و رفع نیازهای ضروری قابل توجیه است و فرض حل کردن کل مشکل آب کشور با این طرح اشتباه است.^{۲۷}

۱: شما اعتراف دارید که برای رفع نیازهای ضروری این طرح قابل توجیه است، پس بسم الله طرح را اجرایی نمایید تا ما شاهد باشیم که سال آینده (۹۷,۱۱,۱۷) آب به تمامی استان‌ها رسیده باشد.

۲: شما می‌فرمایید این طرح برای حل کردن مشکل کل کشور اشتباه است، سؤال می‌کنیم شما چه طرحی برای رفع مشکل آب کل کشور دارید بفرمایید تا ما هم نظر دهیم ولی به یقین می‌گوییم که هیچ طرحی ندارید و این طرح در مقابل تمامی طرح‌هایی که در ذهن شماست مانند آب است در مقابل سراب.

۳: دلیل خود را بفرمایید که اگر طرح اجرایی شود و عملی چرا نمی‌تواند نیاز آبی کل کشور را بر طرف نماید؟

چند نکته‌ی پایانی:

۱: برای پس آب به غیر از آنچه گفته شد می‌توان پس آب را در حوضچه‌های معین ریخت و با استفاده از خورشید و برق خورشیدی اقدام به تبخیر آب نمود و از این راه نیز می‌توان به اقتصاد تولید نمک دریایی دست یافت که آن نمک بسیار بالارزش و گران می‌باشد که بعضی تنها از این راه امارات معاشر می‌کنند و ما وقتی پس آب داریم که درصد شوری بیشتری دارد راحت‌تر می‌توانیم این امر را محقق سازیم.

۲: اگر طرح برای اولین بار عنوان شده بود باز جای اما و اگر داشت ولی زمانی که نمونه‌ی مشابه این طرح حتی در ایران در حال اجراست به هیچ عنوان نمی‌توان در این طرح اشکال نمود، مگر اینکه کسی در طرح‌های مشابه هم اشکال وارد نماید که آن جواب دارد.

۳: کسی که اشکال مطرح می‌نماید باید الگوی جایگزین داشته باشد و اشکال کنندگان هیچ الگوی جایگزینی ندارند.

۴: بدانید تمامی بحران‌ها لحظه به لحظه مانند غده‌ی سلطانی در حال بزرگتر شدن است و تمامی دستاوردهای حال و گذشته در حال نابودی است و مسئول آن تمامی کسانی هستند که در حوزه‌ی آب کارشکنی می‌کنند.

۵: الگوی پنده برای شیرین سازی چیست:

۱: اولاً که شیرین سازی غلط عام است و درست آن املاح زدایی است، که املاح زدایی کامل یعنی آب قابل شرب.

۲: ثانیاً قبل از شیرین سازی تصفیه انجام می‌گیرد، تصفیه‌ی آب برای مصارف غیر شرب استفاده دارد.

۳: ثالثاً بحث را در سه مقوله مطرح می‌نمایم: الف : آب بدون تصفیه -ب: آب تصفیه شده برای مصارف

کشاورزی و صنعتی و ... غیر از شرب -ج: آب املاح زدایی شده‌ی کامل برای شرب

۴: فواید آب دریا بدون املاح زدایی:

۱: باید بدانیم آب دریا بدون تصفیه نیز نجات‌بخش ایران است زیرا در این آب فواید بسیاری وجود دارد، اگر اینگونه نبود چرا برای احیاء دریاچه‌ی ارومیه که آبی شور دارد و یا بقیه‌ی دریاچه‌ها این قدر زحمت می‌کشند و ستاد تشکیل می‌دهند؟ و آیا اینگونه نیست که اگر دریاچه‌ی ارومیه به مشکل برخورد نماید تا شعاع ۵۰۰ کیلومتر اطراف به مشکل بر می‌خورد و زندگی میلیونها نفر با مشکلهای متعدد روپرور می‌شود؟ آیا انتقال آب شور به تنها ی نمی‌تواند شغل ایجاد کند و ...

۵.۴.۲ : ممکن است مطرح نماید که آب شور به تنهایی اکوسیستم را بر هم میزند و باعث خرابی زمین میشود و ...، سؤال میگنیم مگر هم اکنون به واسطه طولانی شدن خشکسالی زمین ما در حال نابودی نیست؟ مگر ۲۰۰ دشت کشور در اثر نبود آب در حال فرو رفتن نیستند؟ مگر باعثهای ما در حال ویران شدن نیستند؟ ما میگوییم آب را شیرین کنید میگویید هزینه دارد، میگوییم آب را بیاورید میگویید زمین خراب میشود، میگوییم در این وضعیت نیز زمین در حال خراب شدن است اگر آب شور برسانیم حداقل اکوسیستم کمتر نابود میشود بلکه تغییر میکند و ملت نیز حفظ میشوند، شما اگر مخیر باشید بین اینکه مریضی که مرض قند دارد یا دست روی دست بگذارید تا مریض بمیرد و یا اینکه پای او را قطع کنید چه میگنید؟ من پیشنهاد میدهم پا را قطع کنید، بله قطعی پا ضرر است ولی از ضرر بیشتر جلوگیری میکند.

۳.۱.۴.۵ : فواید انتقال آب شور دریا بدون شیرین سازی:

۱ : راه اندازی ۶۰٪ از کارخانه های برق آبی کشور که در اثر نبود آب تعطیل شده و از کارافتاده اند، و تولید برق زیاد در کشور.

۲ : وقتی توانستیم از پتانسیل آب برای تولید برق زیاد و ارزان استفاده نماییم آنگاه از این برق برای شیرین سازی آب نیز استفاده میگنیم، پس مشکل شیرین سازی و قیمت تمام شده نیز حل میشود.

۴ : میتوانیم از آب دریا، در کنار دریا، سدهای مصنوعی تولید برق درست نماییم و با آب دریا اقدام به تولید برق نماییم و با آن آب برای شیرین سازی و انتقال اقدام نماییم.

۵ : میتوانیم تمامی دریاچه های آب شور را پر آب نماییم مانند هامون و دریاچه ارومیه و ... و زمین و خورشید و باد خود به خود اقدام به شیرین سازی مینماییم.

۶ : میتوانیم کشاورزی را رونق ببخشیم، بسیاری از گیاهان هستند که با آب شور قابل تغذیه هستند.

۷ : میتوانیم وارد صنعت پرورش ماهی حلال دریایی شویم و استخراهای پرورش ماهی ایجاد نماییم.

۸ : میتوانیم آب را در ایران دو مصرفه نماییم و از آب های شیرین تنها برای شرب استفاده نماییم و از آب دریا جهت امور دیگر استفاده نماییم که در این صورت خطر عظیمی را که ما را تهدید میکند به عقب میاندزیم.

نتیجه اگر مخیر شویم بین تغییر اکوسیستم و حفظ ملت ایران و یا اینکه اکوسیستم را با آب شور تغییر ندهیم ولی باز هم ملت و تمامی دستاوردها از بین رود عقل حکم میکند آب را انتقال دهیم حتی اگر منجر به تغییر اکوسیستم شود.

۳.۱.۴.۶ : انتقال آب دریا با تصفیه آب برای مقاصد غیر شب بدون شیرین سازی:

۵.۵.۱ : آن چیزی که ما از انتقال آب دریا انتظار داریم به هیچ عنوان شیرین سازی برای شرب نیست که این کار کاملاً اشتباه است بلکه ما باید آب را تنها به اندازه های شیرین سازی نماییم که اکوسیستم زمین را خراب ننماید و احتیاج ما برای کشاورزی و صنعت و مراتع را حفظ نماید و حتی برای مصارف شرب باید خود مردم اقدام به شیرین سازی نمایند.

۵.۵.۲ : بر اساس آمارها تنها ۱۱٪ از آب های شهری برای شرب استفاده میشود و بقیه آب برای مصارف بهداشتی و ساختمانی و ... مصرف میشود و این به معنای ظلم و اسراف میباشد از طرفی دولت مجبور است که برای این شیرین سازی هزینه های انبوهی را صرف نماید لذا آن چه عقلانی است اینکه باید یا آب را در ایران دو مصرفه نماییم که امری بسیار مشکل است و در شرایط کنونی امکان وقوعی آن نمیباشد، لذا پیشنهاد این است که آب را دیگر به اندازه های شرب تصفیه ننماییم بلکه به اندازه های حداقلی مصارف بهداشتی در شبکه آبرسانی قرار دهیم و دولت با اختصاص یک آب شیرین کن برای هر خانوار برای همیشه هزینه هنگفت شیرین سازی را حذف نماید و از این راه چند اتفاق میافتد اول اینکه ما میتوانیم آب دریا را به همین اندازه املاح زدایی کرده و در شبکه های آبرسانی قرار دهیم که شگرد بسیار عالی میباشد، و البته هم اکنون نیز بسیاری از شهرهای ما از همین طریق آب شرب را به دست میاورند که نمونه های بارز آن قم میباشد، پس نتیجه این شد که : ۱ آب شهرها را تصفیه هی شرب نمیگنیم ۲ در اختیار هر خانوار ایرانی یک آب شیرین کن از منبع

بودجه‌ی شیرین سازی آب قرار می‌دهیم ۳ آب را تنها به اندازه‌ی حداقلی شیرین می‌کنیم برای مصارف غیر شرب ۴ آب دریا را به اندازه‌ی حداقلی تصفیه می‌کنیم و در شبکه لوله‌ای کشور وارد می‌کنیم ۵ بودجه‌ی هنگفت شیرین سازی را برای همیشه حذف می‌نماییم ۶ آب در ایران بدون لوله کشی اضافی دو مصرفه می‌شود ۷ می‌توانیم در شبکه‌ی آب رسانی آب دریا را وارد نماییم و از زیرساخت لوله‌ی کشور برای آبرسانی استفاده نماییم - با این شگرد دیگر لازم نیست در سراسر کشور لوله و کanal بکشیم، بلکه از دریا آب را تا منبع تغذیه آب را هدایت می‌کنیم و آب را در آن منبع جاری می‌کنیم و از زیرساخت‌های موجود برای انتقال آب استفاده می‌نماییم مثلًا ما آب را تنها تا کارون بالا می‌اوریم و کارون را پر آب می‌نماییم و زیرساخت انتقال کارون به بقیه‌ی جاهای نیز موجود است و الی آخر ...

۵.۵.۳: چند تکنیک برای شیرین سازی آب و پایین آوردن هزینه‌ی شیرین سازی:

۵.۵.۳.۱: سریعاً از تمامی ملت برای تمامی مشکلات آب دعوت به عمل آید، بسیاری هستند که می‌توانند کمک کنند ولی به علت بی‌مهری دستگاه‌ها طردشده‌اند یا در گوشه‌ای بی‌صدا منتظرند و یا از ایران رفته‌اند.

۵.۵.۳.۲: تمامی شئون مملکت را باید درگیر نمود و پژوهش تعریف نمود مانند درخواست از نخبگان و مختصین و دانشگاه‌ها برای توسعه‌ی علم در آن چیزی که مورد درخواست است.

۵.۵.۳.۳: باید تمامی علومی را که تجاری و به درجه‌ی بهره‌برداری نرسیده بسیج نمود تا به بهره‌برداری برسد مانند انرژی هسته‌ای و نانو و ..

۵.۵.۳.۴: باید از انرژی خورشیدی برای ساخت مزارع تولید برق کمال استفاده را برد ، یکی از مشکلات شما هزینه بود که ما هزینه را با مزارع خورشیدی تولید برق حل می‌نماییم ، این مزارع برق مورد نیاز ما را برای شیرین سازی و انتقال حل می‌نمایند.

۵.۵.۳.۵: باید در کنار دریا سدهای تولید برق ساخت که این سدهای مصنوعی آب را از دریا می‌گیرد و برق تولید می‌نماید یعنی بدون هزینه‌ی سد سازی با انرژی دریا برق تولید می‌نماییم و الگو چنین است که اگر از یازده متر پایین سطح دریا لوله بکشیم و به سمت دریاچه‌ی مصنوعی حرکت دهیم در اولین خروجی آب به زمین، آب قوت بسیار عظیمی ایجاد می‌شود که ژنراتور(تولید برق) آبی را باقوت به حرکت در می‌آورد که هم آب انتقال پیداکرده و هم برق تولید می‌شود و از آن برق می‌توان استفاده کرد، در حقیقت با این تکنیک ما کل آب‌های دنیا را به منزله‌ی سدی کرده‌ایم و از انرژی آن برای تولید برق استفاده می‌نماییم.

۵.۵.۳.۶: برای کاهش دادن در راحتی شیرین سازی باید از دریایی عمان آب را برداشت نمود چرا که آب خلیج‌فارس هر ۳۰ سال یکبار عوض می‌شود و تنها راه جابجاگی آب از تنگه‌ی هرمز می‌باشد، ولی آب دریایی عمان چنین نیست و به آب‌های آزادراه دارد و نزدیکترین آب ما به قطب جنوب آب دریایی عمان است، که میدانیم دائمًا آب شیرین قطب جنوب ذوب می‌شود و به دریا می‌ریزد ، از طرفی کشورهای حاشیه‌ی خلیج‌فارس به خصوص عربستان دائمًا پس آب شور خود را در خلیج‌فارس می‌ریزند و خلیج‌فارس دائمًا آلانددهای بیشتری پیدا می‌کند، پس برای ما آب خلیج‌فارس مناسب نیست حتی راهکار اساسی بندۀ برای این طرح این است که تمامی آب را از دریایی عمان برداشت نماییم حتی آب مورد نیاز خوزستان را، و بهترین آب ما آخرین مرز آبی جنوب شرق می‌باشد که کمترین املاح را دارد.

۵.۵.۳.۷: قبل از اینکه بخواهیم آب را وارد تصفیه سازی کنیم آب را در کanal ۵۰ کیلومتری با شبکه ملایم به صورت آرام به حرکت در می‌اوریم و با ایجاد موانع طبیعی متعدد که شامل ماسه و حتی بعضی از گیاهان متناسب با آب شور است مانند جلگه‌ها تا مقدار زیادی املاح آب را ته نشین می‌کنیم و کاهش می‌دهیم و بعد از آن اقدام می‌نماییم تا آب را به صورت غیرطبیعی تصفیه نماییم این راهکار کار را بسیار ارزان و راحت می‌نماید از این روش حتی برای تصفیه‌ی آب توالّت و عفونت‌زدایی نیز استفاده می‌شود، این روش همان روش الهی خدادادی است که طبیعت اقدام به شیرین سازی می‌نماید، طبق آنچه بندۀ فهمیده‌ام با این روش ۵۰٪ املاح از ابتدا زایل می‌شود، لذا ما با این روش پس آب زیادی هم نخواهیم داشت چرا که ما تنها در موعدهای

مشخص باید اقدام به تخلیه‌ی موائع طبیعی نماییم و آن مواد دیگر پس آب نمی‌باشد بلکه زباله می‌باشد که برای آن هم برنامه‌ای جدا می‌توان داشت.

۵.۳.۸ : ما فعلًا درون مملکت سه نوع شیرین سازی داریم که باید بقیه‌ی شیرین سازی‌ها نیز اضافه گردد اما : شیرین سازی تبخیری(حرارتی)، الکتریکی، فشاری در هر سه نوع راهکارهایی داریم تا انرژی را پایین آوریم.

۵.۳.۹ : برای پایین آوردن انرژی در شیرین سازی تبخیری حرارتی چیزی که مرسوم است اینکه حرارت در بالای زمین ایجاد می‌گردد که این امر باعث هدر رفت سریع حرارت می‌شود لذا راهکار این است که دیگهای تولید حرارت در زیرزمین قرار گیرد تا خود زمین مانع باید و بیرون رفت حرارت گردد، و این چیزی است که در گرمابه‌های قدیمی مورد استفاده قرار می‌گرفت که برای گرم کردن باید از هیزم استفاده می‌کردند، هر چقدر آتش در روی زمین باشد حرارت زودتر از در هوا پراکنده می‌شود و انرژی بیشتری لازم است، لذا ما باید الگوی ساخت آب‌شیرین‌کن‌های حرارتی را تغییر دهیم.

۵.۳.۱۰ : برای پایین آوردن انرژی برق در شیرین سازی فشاری و عبور آب از فیلترها : عمدۀ تأمین برق در این سیستم آن است که باید آب را با فشار از فیلتر عبور دهیم در اینجا ما می‌توانیم با طراحی‌های لوله و کanal از نیروی جاذبه در این امر کمک بگیریم و موتور فشار برای عبور آب از فیلتر را که به نیروی برق احتیاج دارد را حذف نماییم و در نیروی برق صرفه‌جویی نماییم .

۵.۳.۱۱ : برای پایین آوردن انرژی در شیرین سازی الکتریکی : همان طور که گفتیم ما می‌توانیم از مزارع خورشیدی در این امر استفاده کنیم یعنی از خورشید برق تأمین کنیم و برای شیرین سازی و انتقال استفاده نماییم گذشته از آنکه می‌توانیم وارد عرصه‌ی انرژی هسته‌ای نیز گردیم و از آب دریا نیز برای تولید برق فراوان استفاده نماییم.

۱: همان طور که دیده شد هیچ‌کدام از اشکالات وارد نبود. آن چیزی که ما در قطره‌ی ۷۳ ارائه دادیم و طرح عادی یک ساله را خلاصتاً مطرح نمودیم چیزی نبود جز ارائه‌ی الگوی سرعتی برای آبرسانی و تسريع بخشیدن در پروژه‌های در حال اجرا و در حال بررسی و با این مبنای ما نباید به هیچ‌کدام از جزئیات آبرسانی و شیرین سازی جواب می‌دادیم چرا که ما از موضع مدیریت و ضرورت و سرعت بخشی بحث می‌کردیم و متخصصین محترم از حوزه‌ی تخصصی انتقال و شیرین سازی، درحالی‌که تمامی مباحث تخصصی را متخصصان قبلًا جواب داده‌اند که کار در ایران به اجرا رسیده است، بله ما نباید جواب می‌دادیم ولی جواب دادیم، مانند اینکه یک مالک زمین بخواهد زمینی را تبدیل به برج نماید بعد یک نفر بباید سؤالات مهندس معمار را از او پرسد که مثلًاً در یک اقطاعی باید چقدر باشد؟ یا اینکه پی ساختمان باید با بتون چند ریخته شود؟ یا اینکه چند عدد میل‌گرد و شماره چند باید استفاده شود؟ یا اینکه قطر سقف باید چه مقدار باشد و الى آخر، این سؤالات مربوط به مالک نیست این سؤالات باید از مهندس پرسیده شود، ما اشکالات متخصصین را جواب دادیم تا خوانندگان فکر نمایند که شاید ما در بقیه‌ی ادعاهایمان راست‌گو باشیم چرا که بنده به طرح‌های عادی اعتقادی ندارم، بنده اعتقاددارم که آب را می‌توانیم از آسمان آن هم در چند ماه با روش غیرعادی به کل کشور بیاوریم لذا چرا باید به طرح عادی بسنده کنیم؟ لذا تنها به این سؤالات پاسخ دادیم که شما کمی در این فکر فروروید که شیخ علی بهرامی که هیچ‌گاه در زمینه‌ی آب درسی نخوانده و استادی ندیده زمانی که توانست در رشته‌ی تخصصی آب برای متخصصین الگوهایی ارائه دهد که حقیقتاً احتیاج به تخصص دارد شاید در بقیه‌ی ادعاهای خود نیز صادق باشد و اگر صادق باشد چه گنج عظیمی را برای کشور به ارمغان دارد، لذا درخواست دارم صادقانه و با در نظر گرفتن آینده‌ی دین و ملت و خداوند متعال به دور از هر گونه تعصب نظر دهید و گزارش واقعی را خدمت مقامات بالاتر و دکتور روحانی و بیت رهبری ارائه دهید تا ما با الگوی بهتر از این گردنه‌ی تاریخی عبور نماییم و اسباب تعالی در دین و دنیا را فراهم آوریم.

سری دوم و سوم اشکالهای متخصصین نیز جواب داده می‌شود

از تمامی عزیزان و بزرگواران پژوهش می‌طلبم و آماده و شناور انتقادات و پیشنهادهای شما هستم .

جواییه اول به متخصصین حوزه‌ی آب کشور که اشکالات خود را در طرح عادی یک ساله‌ی انتقال آب عنوان کرده بودند (اشکالات مطرح در طرح انتقال یک ساله‌ی آب خلیج‌فارس به کشور)- شیخ علی بهرامی نیکو-

پایان ۹۶,۱۱,۱۶

علی بهرامی نیکو (هُدُهُد) سایت tvshia.com کانال تلگرام: @hodhodbashid آی دی شخصی تلگرام: hodhodbashid
اینستاگرام: khoshksali۹۶ -۰۹۱۹۸۴۴۷۹۸ قم المقدسه